

سیری در انتخابات مجلس پنجم شورای ملی

● نیلگون دریایی

۹۵

با استقرار نظام مشروطه و تأسیس خانه ملت، آرایش نیروهای سیاسی بُعد تازه‌ای به خود گرفت و مجلس شورای ملی به منزله نهادی قانونی، جایگاه ویژه‌ای در تعیین نظام سیاسی کشور یافت.

این جایگاه پس از کودتای ۱۲۹۹ محل گرایش جریان‌های سیاسی به دو سوی حاکمیت متمرکز یا مشروطه شد و در طول چهار دوره فعالیت، زمینه را برای استقرار قدرتی واحد فراهم آورد.

دوره اول مجلس پس از یک سال و ۸ ماه فعالیت با گلوله توپ نیروی قزاق تحت فرماندهی کلنل «لیاخوف» روسی و به امر «محمدعلی» شاه از هم پاشید^۱ تمامی اقشار جامعه فعال در عرصه سیاست و اقتصاد^۲ اعم از طبقات شش‌گانه شاهزادگان، علما، اعیان، ملاکین، فلاحین و اصناف را پوشش می‌داد.

در انتخابات غیرمستقیم و دو درجه‌ای دوره دوم با تغییر نظامنامه انتخاباتی، گروه‌های مختلف در قالب احزاب سیاسی سازماندهی شده، به مبارزه با یکدیگر پرداختند.^۳ در این دوره، دو حزب شاخص سیاسی «دمکرات»ها و «اعتدالیون» مبارزات وسیعی را برای انجام اصلاحات به دو شیوه متمایز، پس از دوره فترت ۱۷ ماهه مجلس از سر گرفتند که این مبارزات تا پایان دوره چهارم ادامه یافت. «اعتدالیون» - که طیفی وسیع‌تر از «دمکرات»ها

را دربر می‌گرفت - معتقد بود اصلاحات باید به آرامی و به تدریج انجام گیرد در حالی که جریان «دمکرات» به شیوه‌ای ناگهانی و بنیادی معتقد بود.^۴ در نهایت مجلس این دور به دلیل عدم دستیابی به اکثریت قابل قبول، دورانی از آشفتگی سیاسی را به بار آورد که خواست‌های سیاسی را بهانه‌ای برای دستیابی به قدرت قرار داده بود^۵ و سرانجام تاب مقاومت در برابر اولتیماتوم روسیه تزاری را نیاورد و منحل شد.^۶

مجلس سوم که اکثریت و اقلیت نامعلومی داشت^۷ در خلال سال‌های اولیه جنگ اول جهانی بر اثر ورود نیروهای روس و انگلیس و عثمانی و مهاجرت عده زیادی از نمایندگان مجلس به این کشورها و به طور کلی بر اثر ناتوانی دولت‌ها به ویژه شکست دولت «نظام‌السلطنه مافی» با بروز هرج و مرج و تشنج سیاسی در کشور رو به تحلیل رفت.^۸

اما مجلس چهارم که انتخاباتش طی دوره سه الی چهار ساله به تکمیل رسید، نقطه عطف تلاش دولتمردان برای تغییر نظام سیاسی مشروطه شد و این تلاش در مجلس پنجم با انجام تقلب گسترده و آشکار در انتخابات آن دوره به بار نشست. مجلس چهارم بر اثر سیاست‌بازی‌ها و ستیز بین «اعتدالیون» و «دمکرات»‌ها - به روایت «مکی» - سکوی پرتاب «رضاخان» به قدرتی برتر واقع شد و زمینه را برای کسب مقام ریاست وزرایی او در دوره پنجم فراهم آورد، آن‌چنان که در دایره توسعه نفوذ خود کسی را یارای هم‌وردی با خویشان نیافت.^۹

«رضاخان» که از آغاز کودتا در اندیشه خلع سلسله قاجار از نظام پادشاهی ایران بود، به اهمیت ویژه مجلس پس از انقلاب مشروطه کاملاً وقوف داشت و می‌دانست که برای کسب قدرت فائده باید از کانال مجلس عبور کند. لذا به دقت اوضاع مجلس و مجلسیان را تحت نظر داشت و پس از انتصاب به مقام وزارت جنگ علی‌رغم آمد و رفت دولت‌های متعدد هیچ‌گاه وزارتخانه خود را ترک نکرد تا آن‌جا که حتی به هنگام استعفای «مستوفی‌الممالک» پس از ایراد نطق معروف «آجیل‌خوری» و «بره‌کشی» اش در حالی که همه وزراء پشت سرش مجلس را ترک کردند او در مجلس ماند و متعاقب به راه افتادن هیاهو به محافظت از مجلس پرداخت.

سردار سپه «به خوبی می‌دانست که در کشور مشروطه ولو به ظاهر باید همه چیز به موجب قانون باشد. بودجه‌ها را با هر اجحاف و تعدی و اسراف و تبذیر و حیف و میلی که دارد باید مجلس تصویب کند و هرگونه تغییری که بخواهد در اوضاع کشور بدهد قانون لازم دارد و تصویب قوانین بر عهده مجلس و مجلس از لوازم کار دولت است.»^{۱۰}

در این سال‌ها عملکرد لجام‌گسیخته دولت‌های پیشین و بروز هرج و مرج در میان محافل زمین‌داری سبب شده بود تا اندیشه کنترل فعالیت شورای وزیران از سوی مجلس، گسترش وسیع بیابد، از این رو به دست آوردن اکثریت در مجلس اهمیتی اساسی داشت چرا که نتایج

مبارزات سیاسی میان جریان‌ها و محافل برای تصدی امر حکومت به آن بسته بود.^{۱۱} بر این اساس تلاش برای کسب اکثریت کرسی‌های مجلس مبارزه‌ای ناگزیر برای رضاخان محسوب می‌شد تا با در اختیار داشتن نمایندگانی گوش به فرمان بتواند بر فرآیند تحولات سیاسی تأثیر بگذارد. از وقتی او در کابینه «سیدضیاء» به جای «مسعودخان کیهان» به وزارت جنگ منصوب شد و به مقام سردار سپهی نائل آمد، نبض حیات مشروطه را در دست گرفت و شماره کرد که برای نواختن کوس جمهوری و پوشیدن ردای سنگین دیکتاتوری اندیشید با حذف رقبا، بنیاد مشروطه را با حفظ صورت درهم ریزد لذا با نزدیک شدن به انتخابات دوره پنجم، ترکیب نمایندگان، دیگر وزنه‌ای برای دستیابی به قدرت درون مشروطه به شمار نمی‌آمد بلکه «استمرار نظام مشروطه یا دگرگونی آن تا حد زیادی به ترکیب نمایندگان و نقش مجلس مربوط می‌شد».^{۱۲}



نمایندگان دوره سوم مجلس شورای ملی - سیدحسن مدرس در عکس مشاهده می‌شود

در آستانه فرارسیدن پنجمین دوره انتخابات، دو جریان شاخص سیاسی ترکیب نمایندگان و سیاسیون را شکل می‌داد؛ یک جریان، وجیه‌المله‌های آزادی‌خواه نظیر «سیدحسن مدرس»، «سیدحسن زعیم کاشانی» و «حائری‌زاده» که مشروطه را با هویت منع استبداد و حکومت قانون می‌خواستند و جزو طرفداران راستین نظام مشروطه به شمار می‌آمدند تا در ظل نظام مستقر،

آن را از خطر تبدیل برهانند و جریان دیگر که در جستجوی تغییر و دگرگونی بنیادی در نهادها و ساختارهای کشور بودند. لذا چون امیدی به کارآمدی نظام مشروطه نداشتند، به دفاع از نظام جمهوری پرداخته تا تبعات زیان‌بار قدرت از هم‌گسیخته قاجاری را در حاکمیتی متمرکز التیام بخشند.

از میان جمهوری خواهان، عده قلیلی جزو سابقه‌داران کارآزموده مشروطه محسوب می‌شدند که با اندوخته سیاسی‌ای که طی چهار دوره فعالیت در مجلس به دست آورده بودند، به راستی رژیم «جمهوری» را سودمندتر از رژیم «سلطنتی» برای ایران می‌دانستند اما اکثریت را افرادی تشکیل می‌دادند که دانش سیاسی نداشتند بلکه با نفوذ کلمه و قدرت سردار سپه جمهوری طلب شده و رهبران این جنبش آنان را با وعده و وعید با فکر جمهوری خواهی همراه کرده بودند.^{۱۳} بدین ترتیب، جدال جریان‌های سیاسی، مشروطه را به چنان تبی گرفتار کرد که با رسوب منازعات به ظاهر سیاسی در شریان اصلی آن دچار تصلب شد و به اغما فرورفت.

مجلس مشروطه به تدریج از دوره چهارم در توری که دولت برای انتخابات انداخته بود، گیر افتاد و در ورطه مداخلات دولت به دست و پا زدن‌های بسیار مشغول شد تا حدی که وقتی به پایان حیات خود در چهارمین دوره‌اش می‌رسید، مداخلات با روندی رو به گسترش همراه شده بود.

مجلس این دوره صحنه منازعه و کشمکش‌های فراوان نمایندگان شده بود که با «اعتدالیون» پیوسته و یا با «دمکرات»های تندرو همراه شده بودند. در چنین وضعیتی «رضاشاه» سعی کرد خود را به نمایندگان نزدیک کند لذا در مقام فرمانده کل قوا از زدوخوردهای موجود به نفع موقعیت خویش سود جست^{۱۴} و با وعده اعطای مقام‌های بالای دولتی به نمایندگان سعی کرد بسیاری از آنان را به سوی خود جلب نماید.^{۱۵} او که به قول «مستوفی» می‌دانست که «اگر بتواند اکثریت مطیع حرف‌شنوی در مجلس برای خود دست و پا کند، تمام کارها بر وفق مراد انجام خواهد گرفت»^{۱۶} با رهبران جناح‌ها و احزاب سیاسی مشغول زدوبندهای سیاسی شد ولی به گونه‌ای عمل کرد که استقلال و نفوذ فزاینده آنها را تحت الشعاع قرار دهد. از این رو با هدایت مشاورانش خود را به عنوان مدافع منافع بیشتر جریان‌های سیاسی روز و نیز اتحادیه زمین‌داران و بورژوازی ملی مطرح و تأکید کرد که هدف اصلی او انجام اصلاحات گسترده و اساسی در حوزه‌های مختلف است^{۱۷} و برای آن که در دور پنجم با کسانی که به تعبیر مستوفی «اشخاص ماجراجو و وطن‌پرست‌های خشکی که حفظ وطن را فقط به ضدیت با کارکنان دولت می‌دانند» بودند، مواجه نشود^{۱۸} به توصیه «داور»، «تیمورتاش» و دیگر هوادارانش حزب تجدد را به راه انداخت تا بتواند فهرست جداگانه‌ای برای انتخابات دور پنجم ارائه دهد.^{۱۹}

سیری درانتخابات مجلس پنجم شورای ملی

مطابق اصل ۵۳ قانون انتخابات، دولت موظف بود، سه ماه پیش از پایان کار مجلس شورای ملی در هر دوره تقنینیه، انتخابات دوره بعد را اعلان کند. بر این اساس در اسفند ۱۳۰۱ مجلس چهارم پیش از فرارسیدن موعد مذکور اعتباری بالغ بر یکصد هزار تومان برای به انجام رساندن انتخابات به تصویب رساند که بر اساس آن می‌بایست انتخابات در اول فروردین ۱۳۰۲ برگزار می‌شد اما دولت تعلل ورزید و اعلان انتخابات را به تعویق انداخت.



هیأت رئیسه مجلس چهارم

این مسئله به نگرانی جریان‌های سیاسی خصوصاً ملیون دامن زد و انتقادات شدید آنان علیه دولت «مستوفی» را برانگیخت. اقلیت از این مسئله بیمناک بود که امر انتخابات آن قدر به تعویق بیفتد که عمر مجلس چهارم به سر آید و کار به دست وزیر جنگ بیفتد.^{۲۰} فرمانده کل قوا در زمانی که هنوز «مستوفی الممالک» برکنار نشده بود، به دلیل شرایط جنگی، اکثر مناطق کشور اعم از شمال، شمال غرب، مرکز، جنوب و جنوب غرب را منقاد حکومت مرکزی کرده و هر کجا که به کارگیری نیروهای مسلح را لازم دیده بود، حکومت را به فرمانداران نظامی سپرده بود. او به تدریج مقامات نظامی را جایگزین مقامات اجرایی و کشوری کرده و از این رو نفوذ فزاینده‌ای به آنان داده بود.^{۲۱} این نفوذ تا جایی گسترده شده بود که به کشور چهره‌ای کاملاً نظامی داده بود و همزمان با پایان کار مجلس چهارم می‌رفت

که به شدت انتخابات دوره پنجم را تحت الشعاع خود قرار دهد. بالاخره نیز دامنه شعاع آن اکثر نقاط کشور را با انواع متعدد و فراوانی از تقلب فراگرفت تا آنجا که در برخی از نقاط، انتخابات از طریق برقراری حکومت نظامی به انجام رسید.^{۲۲}

این همان مسئله‌ای بود که اقلیت مشروطه‌خواه با تعلق‌ورزی دولت در اعلان انتخابات از وقوع آن نگران بود و تغییرات اجرایی به همراه حضور «سوسیالیست»ها در کابینه مستوفی کار را بر آنان سخت‌تر کرده بود. «سوسیال دمکرات»ها که از طریق ائتلاف با جمعیت «سوسیال اونیفه» جمعیت «اجتماعیون» را به وجود آورده بودند همچنان به تقویت موضع خویش در قبال هر یک از رؤسای وزرا ادامه می‌دادند تا بتوانند اکثریت کرسی‌های مجلس را در دست داشته باشند. سران «سوسیالیست» که در اندیشه به دست آوردن اکثریت مجلس پنجم بودند، با بهره‌گیری از شرایط موجود توانسته بودند با نزدیکی به «رضاخان» و کسب اکثریت مجلس چهارم، کابینه «مستوفی» را روی کار آورند.

در این وضعیت، پیشروی «سوسیالیست»ها به موازات اقدامات نظامی «رضاخان» نمایندگان را در سراسیمگی نتیجه انتخابات پنجم فرو برد و آنان را بر آن داشت تا در کنار «مدرس» با احضار «ادیب‌السلطنه» اعتراض خود را به دولت برای مسامحه در امر انتخابات ابراز کنند. این اعتراض با تصدیق «مؤتمن‌الملک» رئیس مجلس نیز مواجه شد و در نتیجه دولت مجبور شد با تأخیری چند ده روزه در ۱۵ فروردین «فرمان همایونی مبنی بر اعلان انتخابات» را به وزارت داخله و حکام ایالات و ولایات صادر کند.^{۲۳}

با شروع انتخابات که از هفدهم به ۲۴ فروردین همان سال موکول شده بود، فعالیت گروه‌های سیاسی برای به دست آوردن بیشترین تعداد کرسی‌های مجلس شدت بی‌سابقه‌ای گرفت و افراد بسیاری کاندیدای نمایندگی شدند. آمار داوطلبین و احزاب تازه روییده آن‌چنان زیاد بود که خوراک طنز روزنامه‌ها شد.

روزنامه کار تعداد داوطلبان تهران را ۱۰۰۰ نفر گزارش داد و تخمین زد، عده منتظرالوکاله‌های «قزوین» ۲۴ برابر، «ساری» و «مازندران» ۳۰ برابر و «رشت» و «زنجان» و «کرمان» ۱۰ برابر عده وکلا بوده است.^{۲۴} روزنامه اتحاد نوشت: «مطابق قانون انتخابات، تهران ۱۲ وکیل دارد. به گفته یکی از رفقای مطلع در یک شهر ۲۵۰ هزار نفری به عدد نجوم سماوات احزاب تشکیل شده و ۱۵۰۰ نفر برای وکالت کار می‌کنند.»^{۲۵} «ملک‌المورخین» شمار دستجات سیاسی وقت را بسی بیش از شمار احزاب حیات یافته در فرانسه - آن هم از هنگام پیدایش انقلاب کبیر این کشور تا آن دوران - دانست.^{۲۶}

اما این همه هیاهوی انتخاباتی با دیکتاتوری «رضاخان» به سردی گرایید زیرا از میان همه

انواع فعالان سیاسی و کاندیداها فقط آنانی که نامزدی‌شان مهمور به مهر تأیید «رضاخانی» می‌شد، می‌توانستند به وکالت برسند.^{۲۷}

«مستوفی» برای دور پنجم خود را متعهد کرد قانون را رعایت کند و انتخابات را مطابق با قانون آن به انجام برساند. همچنین قول داد حکام و رؤسای نظمیه و مأمورین نظامی را تعویض و خلع‌ید نماید^{۲۸} اما موفقیتی به دست نیاورد.

در انتخابات «گلپایگان» هنگامی که حکومت دست «امیرمعلم» بود، وی مردم را با تطمیع و تهدید واداشت تا به برادرش «غضنفرخان» رأی دهند، مردم که او را برای وکالت خود شایسته نمی‌دانستند به نشانه اعتراض در تلگرافخانه شهر متحصن شدند و «مستوفی»، «امیرمعلم» را معزول کرد اما دیری نپایید که دوباره بر مسند حکومت گماشته شد و برای وکالت برادرش به تبانی با اولیای امور پرداخت.^{۲۹}

«مستوفی» تحت فشار نظامیان نتوانست به تعهداتش جامه عمل بپوشاند و به تدریج اکثریت هواخواه خود را از دست داد. بعد از شروع با تأخیر انتخابات - که طی دو کابینه بعد از خودش «مشیرالدوله» و «سردارسپه» هم به طول انجامید - عدم اعلان و انجام انتخابات همزمان در تهران و سایر شهرها او را به عمل سوء دیگری متهم کرد که معطوف به اجرای مخدوش انتخابات از قبل «عدم همزمانی انتخابات» می‌شد.

مخالفان این شیوه آن را فرصتی برای «سوسیالیست»ها می‌دانستند تا چنانچه در تهران رأی نیاوردند بتوانند در جای دیگر کاندیدا شوند.^{۳۰}

همزمان برگزار نشدن انتخابات در تهران و ولایات به دلیل کاستن از هزینه‌ها، شرایط اقلیمی و محدودیت تعداد نظار بود که باعث می‌شد انتخابات کل مناطق به طور همزمان در یک ساعت و یک روز برگزار نشود. این امر موجبات تقلب گسترده در انتخابات را فراهم می‌آورد و به کاندیدای انتخاب نشده از شهر مورد نظر فرصت می‌داد تا از شهر دیگری به وکالت برسد چرا که اغلب مشاهده می‌شد، هنوز انتخابات در شهری آغاز نشده در شهری دیگر پایان یافته بود.

به موجب همین شیوه بود که تعدادی اشخاص که فرصت انتخاب شدن از برخی شهرها را نداشتند به سفارش «رضاخان» توانستند به نمایندگی شهر دیگری منصوب شوند.^{۳۱}

در این مورد اسناد متعددی وجود دارد که حاکی از دخالت مستقیم «رضاخان» در انتخابات پنجم به منظور گزینش کاندیداهای مورد نظر وی از شهرهای مختلف می‌باشد.^{۳۲} وزیر جنگ در مکتوبات اداری خطاب به امرای لشکر خود با کاربرد لفظ «آتیه» امر می‌کرد که برای انتخاب شدن اشخاصی که نامشان را در نامه ذکر کرده بود، اقدامات لازم به عمل آورند.^{۳۳} منظور از «آتیه» نیز انتخابات آینده‌ای بود که به دلیل برگزار نشدن انتخابات در تمام

شهرها در یک زمان، قرار بود به زودی برگزار شود.^{۳۴}

انتخابات تهران در مدتی که هنوز عمر مجلس چهارم به پایان نرسیده و دولت در دست «مستوفی» بود، در موعد مقرر و در وضعیت مناسب‌تری نسبت به انتخابات حومه و سایر شهرها برگزار شد. علت اصلی این وضعیت تا حدودی به اقدامات «مشیرالدوله» - که ریاست انجمن نظار مرکز را به عهده داشت - مربوط می‌شد.

«مشیرالدوله» برای جلوگیری از اعمال نفوذ امرای نظامی، حکام و احزاب سیاسی از ساعات پخش تعرفه کاست و برای پیشگیری از تکرار اخذ تعرفه قید تازه‌ای بر شرایط انتخاب‌کنندگان افزود و آن داشتن ورقه هویت یا سجل احوال (شناسنامه) بود.^{۳۵}

با تلاش‌های «مستوفی» و «مشیر» انتخابات تهران و برخی شهرها به انجام رسید. کسانی چون «قوام‌السلطنه»، «مدرس»، «آشتیانی»، «سلیمان میرزا»، «بهبهانی» و «مستوفی‌الممالک» در ردیف نمایندگان این شهر انتخاب شدند^{۳۶} اما هنوز انتخابات سایر شهرها و ولایات شروع نشده بود که دولت «مستوفی» سقوط کرد و «مشیرالدوله» هم هر چند تلاش وافری کرد تا با تهیه ابزار و وسایل و حتی اعزام بازرسان وضعیت انتخابات را به سامان آورد و حکومت نظامی برخی مناطق را لغو کند، نشد. تعطیلی مجلس چهارم از یک سو و فشار نظامیان از سوی دیگر او را ناچار به استعفا کرد. «احمد شاه» هم که نمی‌خواست غوغای دیگری در این مملکت درست کند^{۳۷} به درخواست نمایندگان سردار سپه را به سمت رئیس‌الوزرای منصوب کرد.

«رضاخان» در مدت چهار ماهی که کابینه «مشیرالدوله» بر سر کار بود، در همه جا به تغییر دادن حکام کشوری و گماردن مقام‌های نظامی به جای آنها پرداخته بود. کسانی که اطاعت نمی‌کردند، تبعید می‌شدند، آشکارا مورد اهانت قرار می‌گرفتند و یا سر به نیست می‌شدند. او از این راه همه دستگاه‌های دولت را نظامی کرد و دستگاه اداری پیشین شاه را از قدرت محروم نمود.^{۳۸}

به این ترتیب با پایان یافتن مجلس چهارم، در بیشتر ایالت‌ها مقامات نظامی یا جایگزین مقامات کشوری شده بودند یا آن‌ها را تحت کنترل داشتند.^{۳۹} این هنگامی بود که وکلای تهران و پاره‌ای از شهرها انتخاب شده بودند و تغییر آنها دیگر ممکن نبود اما انتخابات شهرها و ولایات هنوز به انجام نرسیده بود و به قول مستوفی «عده انتخاب‌نشده در ولایات به قدری بود که [رضاخان می‌توانست] با دسته‌ای که از سابق در مجلس هواخواه او گشته و باز هم به وسایل محلی خود انتخاب شده بودند»، اکثریت مجلس را به دست آورد. بر این اساس توجه «رضاخان» به انتخابات شهرها معطوف شد^{۴۰} و امری که اقلیت از آن بیمناک بود عاقبت به وقوع پیوست.

سیری در انتخابات مجلس پنجم شورای ملی

انتخابات «تهران» در موعد مقرر و با مسالمت بیشتری به انجام رسید اما انتخابات سایر نقاط پس از مهلت مقرر و پایان یافتن دوره مجلس چهارم به دست امرای لشکر و فرمانداران نظامی همچون منتفذین وابسته به «رضاخان» انجام گرفت^{۴۱} که به گواه یکی از ناظران آن دوره می‌توان گفت: «غیر از نمایندگان «تهران» و برخی از ولایات که در دوره زمامداری «مشیرالدوله» و «مستوفی الممالک» انتخاب شده بودند، بقیه انتخابات مجلس پنجم با مساعدت‌های مستقیم و غیرمستقیم نظامیان انجام گرفت»^{۴۲} که در بست در اختیار حزب دمکرات مستقل یا رادیکال‌های تحت نظر «خدایارخان» بودند.^{۴۳}

«رضاخان» برای انتخابات پنجم کمیته‌ای در تهران به ریاست امیرلشکر «خدایارخان»؛ فرمانده لشکر - که از دوستان و دستیاران نزدیک خودش بود و حزب جدیدی به نام «دمکرات مستقل» را رهبری می‌کرد - تشکیل داد و همه اختیارات مربوط به انتخابات را به او و افراد حزبش سپرد.^{۴۴} امرای لشکر هم مأمور بودند تا طبق صورتی که از این کمیته



حسن پیرنیا (مشیرالدوله) نماینده مجلس شورای ملی

فرستاده می‌شود، فعالیت انتخاباتی به عمل آورند.^{۴۵} این طریق به گفته «ملک‌الشعرا» تنها روشی بود که هر یک از کاندیداها می‌توانستند به وکالت برسند و یا اصلاً انتخاباتی انجام پذیرد.^{۴۶} خود او هم بدین طریق توانست به مجلس راه یابد. در هر صورت دخالت نظامی به شکل فاحشی به دستور «رضاخان» و از طریق عوامل او به ویژه «میرزا قاسم خان صدر»؛ کفیل وزارت داخله و «خدایارخان»؛ وزیر پست و تلگراف انجام پذیرفت^{۴۷} و کاندیداها با بیشترین نقشی که «دمکرات»ها، «دمکرات‌های مستقل» و «سوسیالیست»ها از میان احزاب و جمعیت‌های سیاسی این دوره ایفا کردند به مجلس راه یافتند. به گزارش «بهار» فعالیت انتخابات در دو دسته قوی انجام گرفت: «یک دسته حزب اجتماع‌یون (سوسیالیست) که به ریاست سلیمان میرزا و طباطبایی با حمایت مستوفی مشغول کار بودند و دسته دیگر جمعیت اصلاح‌طلب و دمکرات‌ها و قسمتی از اعتدالیون که در محلات اتحادیه‌هایی به وجود آورده بودند.»^{۴۸} طبق این گفته «دمکرات»ها به عنوان متشکل‌ترین حزب سیاسی که فعالیت برجسته‌ای در اکثر نقاط کشور به ویژه شهرستان‌ها داشتند از طریق هماهنگی با ستاد مرکزی نماینده‌های خود را به مجلس فرستادند.^{۴۹}

«سوسیالیست»ها هم - که خود را نماینده طبقه محروم جامعه معرفی می‌کردند - بدون تأیید و نظارت فرمانده کل قوا نتوانستند نمایندگان خود را راهی مجلس کنند.^{۵۰} با این شیوه «رضاخان» به تقریب در همه جا نامزدهای خود را بی‌هیچ مانعی نماینده مجلس کرد.^{۵۱} او برای افرادی که اطمینان قطعی به نماینده شدنشان نداشت، سفارش مؤکد می‌نوشت^{۵۲} و گاهی فراموش می‌کرد که در مورد برخی اشخاص چه دستوری داده، لاجرم حوزه انتخابی‌شان با یکدیگر جابجا می‌شد^{۵۳} برای نمونه زمانی «داور» را به عنوان نماینده اول «لار» برگزیده بود در حالی که پیش از او «امام جمعه» را برای نماینده اول این شهر تعیین کرده بود.^{۵۴} چنین مداخلاتی حکمرانان را مجبور می‌کرد در فرصتی که باقی مانده بود به هر نحو ممکن تغییرات دستوری «رضاشاه» را به اجرا درآورند و این اقدام به ثقل از نوعی دیگر در انتخابات دامن می‌زد.^{۵۵} در موردی دیگر وقتی بنا را بر انتخاب «مشیرمعظم» از «تون» و «طبس» گذاشته بود فراموش کرده بود که قول این حوزه را پیش از او به «دانش» داده بودند.^{۵۶} گاهی نیز تغییرات دستوری زمانی به امرا واصل می‌شد که از موعد انتخابات ولایت مربوط گذشته و تغییر دیگر غیرممکن می‌شد.^{۵۷} یا ممکن بود کاندیدای مورد نظر نتواند از اولین شهری که برای او در نظر گرفته شده بود، موفقیتی به دست آورد در نتیجه به نمایندگی شهر دیگری منصوب می‌شد.^{۵۸}

سوی دیگر این تداخلات متوجه رتبه اکثریتی بود که «رضاخان» برای وکلای منصوب خود تعیین می‌کرد؛ این که کدام نماینده چه اکثریتی را داشته باشد نیز به تشخیص وی صورت می‌گرفت.^{۶۹} به عبارت دیگر این قوه ممیزه رضاخان بود که هر یک از نمایندگان منصوب را حائز اکثریت آرا^{۶۱} و یا مراتبی از آن می‌کرد.^{۶۱}

در موارد دیگر گاهی حکمرانان بین انتخاب نماینده به دستور «رضاخان» یا انتخاب نماینده به دستور وزارت داخله مردد می‌ماندند که کدام یک را به اجرا درآورند؟^{۶۳} در چنین مواردی «رضاخان» با تحکم امر می‌کرد که دستور او اهمیت بیشتری دارد یا وزارت داخله؟^{۶۳}

این طریقه‌ای بود که دولتمردان سرسپرده‌ای که بی‌مدد مقامات نظامی نمی‌توانستند به وکالت برسند، از هر سو روانه مجلس شدند.^{۶۴}

اسناد فراوانی از انتخابات مجلس پنجم در دست است که همه از دخالت مستقیم شخص «رضاخان» و عوامل نظامی او حکایت دارد. این اسناد که در دو جلد توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی منتشر شده، مؤید مکاتبات اداری محرمانه مبنی بر مداخله مأموران دولتی در امر انتخابات پنجم است که به مداخله متنفذان در انتخابات نقاط مختلف کشور اشاره دارد.

انگلستان نیز از طریق بانک شاهنشاهی با اعمال فشار بر روی بازرگانان و ملاکان خرده‌پا آنان را وامی‌داشت که به نامزدهای «رضاخان» و نمایندگان که او برگزیده بود، رأی بدهند و به این ترتیب به او در امر انتخابات فرمایشی یاری می‌رساند.^{۶۵}

تقلب در انتخابات چنان گستاخانه و آشکار بود که حتی برخی از کمیسیون‌های انتخاباتی ساخته و پرداخته مقام‌های دولتی از قانونی شناختن نتیجه انتخابات خودداری می‌کردند. در تهران، کرمان، شیراز، کرمانشاه و دیگر شهرها کمیسیون‌های انتخاباتی استعفا دادند.^{۶۶} از بسیاری از بخش‌های کشور سیل شکایت درباره مداخله مقامات دولتی و شیوه‌های تحمیل نماینده سرازیر شد.^{۶۷} اقلیت‌های مذهبی نیز از انتخابات شکایت داشتند.^{۶۸} شیوه‌های تقلب به اندازه‌ای رسوا بود که بازرسان انتخابات نیز هر کدام سعی داشتند تا موقعیتی برای برگزیده شدن خود مهیا کنند.^{۶۹} در چندین حوزه وضعیت اعمال نفوذها و تقلب‌های صورت گرفته به حدی فاجعه‌بار بود که امرای لشکر از ارسال پرونده‌های انتخابات به وزارت داخله خودداری کرده، دوباره انتخابات را تجدید کردند.^{۷۰} در برخی شهرها نظار از دادن اعتبارنامه‌ها خودداری کردند.^{۷۱} انتخابات رفسنجان نیز توقیف و موقوف به تفتیش شد.^{۷۲} دخالت‌های انجمن‌های نظار در انتخابات هم به شکایت‌های اهالی، درگیری انتخاباتی

و لاجرم توقف و به طول انجامیدن انتخابات می‌انجامید^{۷۳} چرا که بر اساس قانون جاری، کمیسیون‌های انتخاباتی را حکام و فرمانداران برمی‌گزیدند و این روند با توجه به انتصاب‌های روزافزون سردار سپه در سراسر کشور، به آنان امکان می‌داد تا آرای اشخاصی را که نامطلوب شمرده می‌شدند، باطل ساخته یا به نحو دلخواه تغییر دهند.^{۷۴}

در این خصوص کاشان یکی از شهرهایی بود که انتخابات آن بنا به اعمال نفوذهای فراوان انجمن نظار و عوامل حکومت به تعویق افتاد.^{۷۵}

در کرمانشاه، مقام‌های نظامی بازگشت بسیاری از عشایر کرد را از چراگاه‌های تابستانی ممنوع کردند تا از شرکت آنان در انتخابات پیشگیری کنند. در گیلان، نامزدهای احتمالی ملیون را تبعید و آزادی رفت و آمد را محدود کردند. آرا به نحو بارزی خرید و فروش می‌شد.^{۷۶} حتی در یکی از حوزه‌های انتخاباتی اردبیل، جارچیان، کشاورزان را با تهدید به مجازات نقدی با تنبیه بدنی وادار می‌کردند به دستور «رضاخان» به نماینده مورد نظر وی رأی دهند.^{۷۷}

در برخی مناطق اعمال نفوذها و مداخلات منجر به درگیری حکومت‌ها با نظامیان می‌شد. در جریان انتخابات «نائین» هر یک از حاکمان «یزد» و «نائین» برای جمع‌آوری رأی به نفع «معاذ السلطنه»؛ نماینده مطلوبشان با یکدیگر مساعدت داشتند.^{۷۸} اما در سوی مقابل مأمور نظامی «نائین» به دستور رئیس قشون «یزد» مأمور بود تا مردم را با تهدید وادار به نماینده دیگری رأی دهند^{۷۹} چرا که قبلاً دستور آن صادر شده بود.^{۸۰} با منعکس شدن اعتراضات^{۸۱} شکایات تکذیب و بر عدم مداخله نظامیان صحه گذاشته شد.^{۸۲}

واقعیت اسناد در یک بررسی نشانگر آن است که نظامیان از «رضاخان» دستور می‌گرفتند تا برای نماینده مورد نظر او از هیچ اقدامی کوتاهی نکنند. آن‌ها «موظف بودند تا افرادی خاص را از صندوق‌ها بیرون بیاورند و آراء مردم را جابجا کنند.»^{۸۳} بسیاری از اسناد مؤید آن است که «رضاخان» به اجبار و مستقیم دستور می‌داد تا شخص یا اشخاص خاصی از حوزه انتخابیه مورد نظرش انتخاب شوند.^{۸۴} اما وقتی به او گزارش می‌رسید که برخی گروه‌های سیاسی خلاف رأی سردار سپه برای شخص دیگری از همان حوزه انتخابیه تبلیغ می‌کنند^{۸۵} نارضایتی اهالی محل را بهانه‌ای برای اعمال منویات خود قرار می‌داد و اعلام می‌داشت که «انتخابات باید آزادانه و به میل اهالی خاتمه پذیرد.»^{۸۶}

اما این دستور فقط برای فریب اذهان عمومی اعلان می‌شد تا هم در ظاهر به خواست مردم در برگزاری انتخابات آزاد توجه و هم در باطن نظر خود را تأمین کرده باشد. چرا که اگر اقدامی «خارج از وظیفه» یعنی خارج از دستور «رضاخان» انجام می‌گرفت او به شدت

فرد خاطی را تهدید می‌کرد.

در صورتی دیگر دستور می‌داد تا در امر انتخابات کاندیدای مورد نظر او مساعدت شود.^{۸۷} دخالت در انتخابات به نحوی در سطح نازل انجام می‌گرفت که برخی اشخاص از طریق مکاتبه از سردار سپه توصیه می‌گرفتند.^{۸۸} گاهی نیز تقاضاها و توقعات کاندیداها به حدی فزونی می‌یافت که اسباب ناراحتی رضاخان را فراهم می‌آورد.^{۸۹} در مورد اشخاصی هم که انتظار کمک ویژه از او داشتند اما رضاخان تمایل زیادی برای انتخاب آنها نداشت، به امرای خود امر می‌کرد تا انتخابات را به صورت آزاد برگزار کنند و بدون مداخله نظامیان در حسن اجرای انتخابات بکوشند.^{۹۰}

هنگامی هم که زمینه برای انتخاب کاندیدای مورد نظر او در برخی شهرها مناسب نبود، دستور می‌داد تا نیروهای نظامی یا حکومتی مداخله نکنند یا بی‌طرف بمانند. به طوری که هنگامی که اهالی کاشان ناراضیتی خود را از انجمن نظار و اقدامات و عملیات حکومت آنجا ابراز داشتند^{۹۱} به امیران خود دستور داد که مداخله نکنند یا بی‌طرف بمانند.^{۹۲} اما در مورد برخی شهرها تأکید قطعی داشت که به هر طریق ممکن نام نماینده مورد نظرش را حتماً از صندوق آرا بیرون بیاورند.^{۹۳}

«اصفهان» همواره یکی از شهرهای اصلی و تعیین‌کننده در انتخابات به شمار می‌رفت که با داشتن بافت مذهبی خاص خود، روحانیونی مقتدر در خود پرورانده بود، روحانیونی که رضاشاه از آنها واهمه داشت و متوجه آن بود تا انتخابات این حوزه را از استیلا و نفوذ علمای شهر خارج کند.^{۹۴} وی که پیش‌تر انتخابات تهران را تجربه کرده بود برای جلوگیری از پیشامد تکرار تجربه به نیرنگی متوسل شد که کمترین هزینه را داشته باشد. بدین منظور محمودخان امیراقتدار را نماینده نظامی خود در اصفهان کرد و از فعالیت کاندیداهای «اصفهان» جویا شد.^{۹۵} سپس نماینده‌های مورد نظر خود را به عنوان وکیل مردم این شهر در نظر گرفت^{۹۶} و کار را به محمودخان امیراقتدار سپرد. وی که «علوم اسلامی را در اصفهان فراگرفته بود و با زبان روحانیون شهر کاملاً آشنایی داشت بدون توسل به اقدامات شدید و بی‌رویه علیه روحانیون با تأثیرگذاری بر افکار مردم حیطة عمل سیاسی آنان را محدود کرد و از قدرت اجرایی آنان کاست. محمودخان امیراقتدار که از دانش دینی و نظامی هر دو بهره داشت، توانست با انجام اقدامات زیرکانه از دخالت یا مشارکت مستقل روحانیت این شهر در انتخابات ممانعت به عمل آورد.^{۹۷}

«رضاخان» علاوه بر در اختیار داشتن اهرم قوی نظامی که امر تقلب در انتخابات را برایش تسهیل می‌نمود، از برخی مواد قانون انتخابات هم یاری گرفت تا برای نیل به مقصود



شهباز شاه، مؤسس انجمن مطالعات فرهنگی
ملک الشعراء بهار

مسیر را هموارتر ببیند. یکی از این مواد، انتخابات یک درجه‌ای، مخفی و مستقیم بود که ملیونی چون «ملک الشعراء» به شدت با آن مخالف بودند. این قانون با راه یافتن به مرامنامه حزب «دمکرات»، در دور دوم مجلس به تصویب رسیده و به اجرا درآمده بود اما هیچ‌گونه تأملی در اصل و ماهیت آن انجام نگرفته بود. از چنین انتخابی «دلالتی روستایی» و یا «عوامانی بی‌فضیلت» بیرون می‌آمدند که به راحتی در مقابل صاحبان نفوذ تسلیم می‌شدند و زور، پول و یا توصیه ارباب نفوذ به سادگی آنان را از پا می‌انداخت. این قانون با نادیده انگاشتن امتیاز نخبگان، اعم از انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده، اختیار انتخابات را همه جا چه در مرکز و چه در ولایات از دست آزادی‌خواهان و احزاب می‌ربود و به دست ملاکان، توانگران یا کهنه‌کارانی می‌سپرد که بی‌آن‌که دغدغه‌ای برای

مشروطه و آمالش داشته باشند، به هواداری از دولت می پرداختند.^{۹۸} به همین علت برای تجدید نظر در قانون انتخابات و به منظور اصلاح آن، کمیسیونی به مخبری «ملک الشعرا» در مجلس چهارم تشکیل شد که با مطالعه و مشورت فراوان اعضای آن از قبیل دکتر «مصدق» و «حائری زاده» طرحی را برای اصلاح قانون انتخابات تهیه و روانه مجلس کرد.^{۹۹} یکی از بندهای اصلاحی این طرح، تجدید انتخابات یک ثلث از نمایندگان در هر سال بود که از دوره فترت مجلس جلوگیری می کرد. از دیگر اصلاحات، انتخاب وکیل هر محل از همان حوزه انتخابیه و یا حداقل ساکنین چهار یا پنج ساله همان حوزه بود^{۱۰۰} که از سوی جراید مختلف «ناصیه ارتجاع خطر لامرکزیت» خوانده شد.^{۱۰۱} متنفذین پایتخت سکونت چهار - پنج ساله را در محل حوزه انتخابیه قدمی به سوی تنزل دانسته و استدلال می کردند از آنجا که اغلب اشخاص عالم و مطلع در شهرهای بزرگ و پایتخت ساکن هستند بایستی از تحصیلات و تجربیات آنها در این جهت استفاده شود. این اشخاص ممکن است معروفیت محلی داشته ولی اقامت چهار - پنج ساله در حوزه انتخابیه نداشته باشند.^{۱۰۲} سرانجام با همه تلاش اعضای کمیسیون، طرح مزبور با آن که از مصوبه مجلس چهارم هم گذشته بود بر اثر کارشکنی ها و اعمال نفوذ صاحبان قدرت از اجرا بازماند و متنفذین به بهانه



نمایندگان گروه اقلیت دوره پنجم مجلس شورای ملی

نداشتن زمان کافی برای انجام مذاکرات مربوط به مواد قانون انتخابات همچنین فرارسیدن موعد اعلان انتخابات^{۱۰۳} مقرر کردند تا بر مبنای همان قانون دیرین انتخابات به انجام رسد.^{۱۰۴} این قانون در جامعه ایران آن روز باعث می شد تا آرا قلب ماهیت شود چنان که به گواه «ملک الشعرا» همواره آرای شهرستان‌ها به علت خرید آرای روستاییان یا آرای که در بلوک و حومه شهر تهران تحت نفوذ دولت به دست می آمد، پایمال می شد.^{۱۰۵}

یکی از مواد قانون انتخابات این بود که هر نفر می توانست در آن واحد از چند شهر نامزد نمایندگی مجلس شود. «رضاخان» که با ترفند درصدد به دست آوردن محبوبیت مردمی از کل مناطق کشور بود تا با کسب چنین مشروعیتی و با ساماندهی هوادارانش در مجلس پنجم، بتواند پرچم جمهوری خواهی کاذب را علم کند، به واسطه حکام ایالات و عوامل نظامی اش و برخلاف قانون انتخابات - که گماشتگان دولتی و نظامی را از نامزدی برای نمایندگی مجلس منع می کرد - خود را از چندین شهر نامزد نمایندگی کرد و «حکام نظامی با صدور احکام کتبی و تلگرافی از ولایات و دهات هم التزام گرفتند، جز سردار سپه و نمایندگان مورد نظر وی کسی را ننویسند».^{۱۰۶} اما امور نامزدی وی به این جا ختم نشد. «رضاخان» باید نفر اول تمامی حوزه های انتخابیه می شد تا با کسب بالاترین آرا، مشروعیتی مقبول از کل مناطق کشور به دست می آورد. برای این منظور چنانچه نماینده ای بعد از شمارش آرا رأیی بیش از «رضاخان» کسب می کرد به روش های گوناگون از پیش افتادن رأیش جلوگیری می شد تا نام سردار سپه همچنان به عنوان نماینده اول حوزه ها ثبت گردد.^{۱۰۷}

۱۱۰

سرکشیک زاده به نصرت الدوله نوشت: «انتخابات لاهیجان در شرف خاتمه و فقط معطل برای این است که آقای رئیس الوزرا اول باشند. با تمام کوشش هایی که در این خصوص به عمل آمده فعلاً نصف بنسده رأی دارند».^{۱۰۸} بدین ترتیب «رضاخان» با مکانیزی که از طریق عوامل نظامی و امرای لشکر خود به کار بست، توانست نام خود را به عنوان نماینده اول در بسیاری از نقاط به ثبت برساند.^{۱۰۹}

از رشت با ۷۲۹۹ رأی^{۱۱۰} از ساری و توابع ۱۲۶۶۶ رأی^{۱۱۱} از حوزه فومن و گسگر و شفت ۴۲۷۸ رأی^{۱۱۲} از اصفهان با ۸۹۰۹ رأی^{۱۱۳} از سراب و گرمروود با ۴۰۲۲ رأی^{۱۱۴} از ارومیه با ۶۹۶۵ رأی^{۱۱۵} از اردبیل و خلخال با ۲۳۹۴۷ رأی^{۱۱۶} از قراچه داغ و توابع با ۶۳۱۰ رأی^{۱۱۷} از مجموع ۲۲۰۰ تعرفه توزیع شده در عشایر مامش و پیران و سلدوز ۱۹۹۱ رأی^{۱۱۸} از مرند با ۲۸۵۸ رأی^{۱۱۹} از ساوجبلاغ با ۴۸۷۹ رأی^{۱۲۰} در تبریز و حومه با ۳۷۲۲۹ رأی^{۱۲۱} در ایلات شاهسون ۳۸۱۶ رأی^{۱۲۲} از مجموع ۲۲۰۰ تعرفه توزیع شده در آستارا ۲۱۳۷ رأی^{۱۲۳} از همدان با ۲۴۸۹۲ رأی^{۱۲۴} و از خوی با ۲۱۳۰۸ رأی.^{۱۲۵}

«رضاخان» در نهایت برای تکمیل موفقیت آمیز طرح «صعود به رأس قدرت» از نمایندگی سایر شهرها استعفا داد و فقط نمایندگی بارفروش (بابل) را پذیرفت.^{۱۳۶} در برنامه نمایش جمهوری خواهی، از پیش تعیین شده بود که مجلس دوره پنجم حتماً باید مفتوح شود تا وکلایی که رضاخان قبلاً در انتخاب آنها اعمال نفوذ کرده بود به خلع سلسله قاجار از نظام پادشاهی ایران رأی دهند. بدین منظور هنگامی که انتخابات اکثر نقاط به پایان خود نزدیک می‌شد، «رضاخان» دو تلگراف به همه حکام ایالات و ولایات سراسر کشور مخابره کرد تا هر چه زودتر امر انتخابات را به پایان رسانده، نمایندگان را روانه تهران کنند.^{۱۳۷} حتی مأموران ویژه‌ای نیز به پاره‌ای نقاط اعزام کرد تا در امر انتخابات تسریع نمایند.^{۱۳۸}

لاجرم با کوشش‌های فراوانی که عوامل «رضاخان» در ولایات کردند در ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ اکثر نمایندگان انتخاب و ۷۰ نفر از آنها در تهران حاضر شدند.^{۱۳۹} «مستوفی الممالک» و «مؤتمن الملک» که می‌دانستند در این دوره باید موضوع «انقراض سلسله قاجار» از دستور مجلس بگذرد از قبول سمت ریاست مجلس خودداری کردند و «تدین» که یکی از علمداران تغییر سلطنت بود، مقام را عهده‌دار شد. پس از آن که اعتبارنامه‌ها با کشمکش‌های بسیار به تصویب رسید، نمایندگان به دو گروه اقلیت مخالف و اکثریت موافق رضاخان منقسم شدند. «تدین» با همراهی «تیمورتاش» طرح تغییر سلطنت را تهیه کرد و در ۲۶ مهر ۱۳۰۴ به خانه «رضاخان» برد. نمایندگان به تدریج آمدند^{۱۴۰} و بیش از هفتادتن به انقراض سلسله قاجار رأی دادند.^{۱۴۱}

منابع و مأخذ

- انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۲ج، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- افشاری، پرویز؛ نخست‌وزیران سلسله قاجاریه، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۳.
- ملیکف، ا. س؛ استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- تاریخ ایران به روایت کمبریج: از نادرشاه تا انقلاب اسلامی، دفتر اول از جلد هفتم، زیر نظر پیتر آوری، گاوین همبلی، چارلز ملوین، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: انتشارات جامی، ۱۳۸۴.

- مستوفی، عبدالله؛ شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و ادواری دوره قاجاریه، ج ۳، تهران: انتشارات زوار، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.
- بهار، ملک‌الشعرا، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- ملایی توانی، علیرضا؛ مجلس شورای ملی و تحکیم دیکتاتوری رضاشاه، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۱.
- آوری، پیترا؛ تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: انتشارات عطایی، چاپ ششم، ۱۳۸۲.
- مکی، حسین؛ تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۵۹.
- سپهر، عبدالحسین؛ یادداشت‌های ملک‌المورخین و مرآت‌الوقایع مظفری، به کوشش عبدالحسین نوایی، ج ۱، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۶۸.
- اتحادیه، منصوره و سعدوندیان، سیروس؛ مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات و آثار فیروزمیرزا نصرت‌الدوله، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۵.
- اتحادیه، منصوره؛ مجلس و انتخابات، تهران، نشر تاریخ، ۱۳۷۵.
- شمیم، علی‌اصغر؛ احزاب و مجلس چهارم ایران در دوره سلطنت قاجار، قرن ۱۳ و نیمه اول قرن ۱۴، تهران: انتشارات زریاب، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
- نیازمند، رضا؛ رضاشاه از تولد تا سلطنت، ج ۲، تهران: انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم.
- روزنامه کار، شماره ۱۰.
- روزنامه کوشش، شماره ۳۴.
- روزنامه اتحاد، شماره‌های ۳۱۵، ۲۷۶، ۲۷۵، ۸۲.

پانوشتها

- ۱- شمیم، ص ۶۱۲.
- ۲- اتحادیه، ص ۱۰۰.
- ۳- همان، ص ۵۸.
- ۴- نک: بهار، ج ۱، صص ۸-۱۲.
- ۵- اتحادیه، صص ۶۵-۷۱.
- ۶- شمیم، همان جا.
- ۷- بهار، همان، ص ۱۷.
- ۸- شمیم، همان جا.
- ۹- مکی، ج ۲، ص ۳۳۹.
- ۱۰- مستوفی، ج ۳، ص ۵۸۲.
- ۱۱- ملیکف، ص ۶۵.
- ۱۲- ملایی توانی، ص ۹۶.
- ۱۳- مکی، همان، ص ۴۵۲.
- ۱۴- مکی، همان، ص ۳۴۰.
- ۱۵- ملیکف، ص ۵۸.
- ۱۶- مستوفی، همان جا، ص ۵۸۳.
- ۱۷- ملایی توانی، همان جا.
- ۱۸- مستوفی، همان جا.
- ۱۹- ملیکف، همان جا.
- ۲۰- نک: بهار، همان، ص ۳۰۴.
- ۲۱- ملیکف، ص ۶۴.
- ۲۲- نک: ج ۱، سند شماره ۱۰۵.
- ۲۳- بهار، همان جا.
- ۲۴- روزنامه کار، س اول، شم ۱۰.
- ۲۵- روزنامه اتحاد، س دوم، شم ۸۲.
- ۲۶- سپهر، ص ۶۶.
- ۲۷- نک: ج ۱، سند شم ۷۹.
- ۲۸- بهار، همان، ص ۳۰۴.
- ۲۹- ج ۲، سند شم ۵۹۳.
- ۳۰- روزنامه اتحاد، شم ۳۱۵.
- ۳۱- نک: ج ۱، سند شم ۳۷.
- ۳۲- نک: همان، سند شم ۱۰۶.
- ۳۳- نک: ج ۲، سند شم ۲۸۰.
- ۳۴- نک: ج ۱، سند شم ۳، ۸.
- ۳۵- بهار، همان، ص ۳۰۵.
- ۳۶- شمیم، ص ۶۷۵.
- ۳۷- نک: افشاری، صص ۳۳۲-۳۳۳.
- ۳۸- ملیکف، ص ۹۹.
- ۳۹- همان، ص ۶۴.
- ۴۰- مستوفی، ج ۳، ص ۵۸۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- ۴۱- برای نمونه نک: ج ۱، اسناد شم ۹۷، ۹۹.
 ۴۲- مستوفی، ص ۶۰۶، نیز برای نمونه نک: همان، سند شم ۱۲۹.
 ۴۳- شمیم، ص ۶۴۵، نیز نک: همان، سند شم ۱۷۳.
 ۴۴- نک: ج ۱، سند شم ۴۲۹.
 ۴۵- بهار، همان، ص ۳۰۷، نیز برای نمونه نک: ج ۲، اسناد شم ۲۶ الی ۲۸.
 ۴۶- نک: بهار، همان جا.
 ۴۷- نک: ج ۱، سند شم ۳۷۲.
 ۴۸- بهار، همان، ص ۳۰۵، نیز نک: ج ۲، سند شم ۵۷۴.
 ۴۹- همان جا، نیز نک: همان، سند شم ۳۴، ۴۰.
 ۵۰- نک: همان، سند شم ۶۵۳.
 ۵۱- برای نمونه نک: ج ۱، اسناد شم ۴۲۲، ۳۸۵، ۳۸۴.
 ۵۲- نک: همان، سند، شم ۳۵۰.
 ۵۳- نک: همان، سند شم ۱۰۳.
 ۵۴- نک: همان، سند شم ۱۳۱.
 ۵۵- نک: همان، اسناد شم ۱۴۱، ۱۳۲.
 ۵۶- نک: همان، اسناد شم ۳۲۹، ۳۲۵.
 ۵۷- نک: همان، سند شم ۳۸.
 ۵۸- نک: همان، سند شم ۳۷.
 ۵۹- نک: همان، سند شم ۴۰۸.
 ۶۰- نک: ج ۲، سند شم ۶۰۴.
 ۶۱- نک: ج ۱، سند شم ۴۴۳، ۴۴۲.
 ۶۲- نک: همان، سند شم ۱۸۳.
 ۶۳- نک: همان، سند شم ۱۸۴.
 ۶۴- ملیکف، ص ۶۶.
 ۶۵- ملیکف، ص ۶۶.
 ۶۶- همان جا، نیز نک: ج ۱، سند شم ۳۵۶.
 ۶۷- برای نمونه نک: ج ۱، سند شم ۳۳۸، ۱۹۸.
 ۶۸- نک: همان، سند شم ۱.
 ۶۹- نک: ج ۲، سند شم ۲۳۷.
 ۷۰- نک: همان، اسناد شماره ۲۱۵ الی ۲۳۱، ۲۱۷.
 ۷۱- نک: اسناد شم ۳۴۸، ۳۴۷.
 ۷۲- نک: ج ۱، سند شم ۱۸۰.
 ۷۳- نک: همان، اسناد شم ۱۸، ۱۷.
 ۷۴- ملیکف، ص ۶۵، نیز برای نمونه نک: همان، سند شم ۱۹.
 ۷۵- نک: اسناد شم ۲۴، ۲۱.
 ۷۶- ملیکف، ص ۶۶، نیز برای نمونه نک: ج ۲، اسناد شم ۶۱۷، ۴۹۱.
 ۷۷- ملیکف، همان جا.
 ۷۸- نک: ج ۱، سند شم ۴۳.
 ۷۹- نک: همان، سند شم ۳۰.
 ۸۰- نک: همان، اسناد شم ۷۲، ۷۱.
 ۸۱- نک: همان، نیز سند شم ۳۲.



- ۸۲- نک: همان، سند شم ۳۴.
۸۳- همان جا.
۸۴- برای نمونه نک: همان، سند شم ۳۵۳.
۸۵- نک: همان، سند شم ۳۵۱.
۸۶- نک: همان، سند شم ۳۵۲.
۸۷- نک: همان، اسناد شم ۴۱۹، ۴۱۴، ۳۸۸.
۸۸- نک: همان، سند شم ۴۷.
۸۹- نک: همان، سند شم ۴۴۹.
۹۰- نک: همان، سند شم ۲۱۳.
۹۱- نک: همان، سند شم ۲۴.
۹۲- نک: همان، اسناد شم ۲۸، ۲۶.
۹۳- نک: همان، اسناد شم ۳۸۵، ۳۸۶.
۹۴- نک: همان، سند شم ۳۳.
۹۵- نک: همان، سند شم ۲.
۹۶- نک: همان، سند شم ۴.
۹۷- آوری، ص ۵۰۶، نیز نک: همان، سند شم ۶۸.
۹۸- بهار، همان جا، ص ۳۰۶.
۹۹- همان جا، ص ۳۰۲.
۱۰۰- روزنامه اتحاد، شماره‌های ۲۷۵ و ۲۷۶.
۱۰۱- روزنامه ایران، شم ۱۲۷۰.
۱۰۲- بهار، ج ۱، ص ۳۰۴.
۱۰۳- روزنامه کوشش، شم ۳۴.
۱۰۴- بهار، همان جا.
۱۰۵- همان جا.
۱۰۶- اتحادیه، سعدوندیان، مجموعه مکاتبات اسناد، ص ۱۵۳.
۱۰۷- نک: ج ۲، اسناد شم ۶۴۶، ۴۵۸.
۱۰۸- همان، ص ۱۱۸.
۱۰۹- برای نمونه نک: ج ۱، اسناد شم ۴۶۵، ۲۶۲.
۱۱۰- ج ۱، سند شم ۴۶۵.
۱۱۱- همان، سند شم ۳۹۶.
۱۱۲- همان، سند شم ۴۶۴.
۱۱۳- همان، سند شم ۵۹.
۱۱۴- ج ۲، سند شم ۷۹.
۱۱۵- همان، سند شم ۸۰ مقایسه کنید با سند شم ۷۸.
۱۱۶- همان، سند شم ۹۲.
۱۱۷- همان، سند شم ۹۳.
۱۱۸- همان، سند شم ۱۰۴.
۱۱۹- همان، سند شم ۱۴۲.
۱۲۰- همان، سند شم ۲۲۸.
۱۲۱- همان، سند شم ۳۸۶.
۱۲۲- همان، سند شم ۴۴۷.

فصلنامه مطالعات تاریخی

- ۱۲۳- همان، سند شم ۵۴۸.
۱۲۴- همان، سند شم ۶۴۴.
۱۲۵- همان، سند شم ۱۵۷.
۱۲۶- برای نمونه نک: همان، سند شم ۸۱، نیز: ج ۱، سند شم ۳۲۲.
۱۲۷- برای نمونه نک: همان، سند شم ۳۲۷، نیز: ج ۲، سند شم ۸۴.
۱۲۸- مکی، ج ۲، ص ۴۴۹.
۱۲۹- نیازمند، ج ۲، ص ۱۰۸۴. (مقایسه کنید با مکی، همان‌جا که تعداد نماینده‌ها را حدود ۷۵ نفر ذکر کرده).
۱۳۰- همو، ص ۱۲۱۲.
۱۳۱- همو، ص ۱۲۱۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شماره ۱	شیر و خورشید	شماره اندیکاتور استخبارات ۷۰۱۷
تاریخ اصل تلگراف ۲۰	وزارت جنگ	تاریخ کشف ۲۱ برج جوزا ۱۳۰۲

ریاست محترم ارکان حرب کل قشون

تلگراف رمز ۹۱۹ در موقعی واصل گردید که وقت گذشته، انتخابات ارامنه خاتمه [یافته]، به هیچ وجه ابراز مساعدت و اقداماتی ممکن نبوده، امروز آرای جلفا قرائت گردید: ۳۰۸ رأی [که] به اسم «میرزا یانس»^۱ و ۸۴ رأی [که] به نام دکتر «آقایان»^۲ است، خارج گردید؛ ولی در نتیجه اقداماتی که به عمل آمد کلیه ارامنه از انتخابات مذکور شاکی [هستند] و اظهار می‌دارند: [انتخابات] برخلاف قانون و به دسیسه صورت یافته است. خاتماً اشعار می‌دارد که قسمت عمده انتخابات از (فرار) فریدن و امید است در آنجا بتوان موفقیت حاصل نمود.

۲۰ [جوزا] - نمره ۳۵۰

امیر لشکر جنوب - (محمود)

[حاشیه] - ملاحظه شد.

[مهر] - اداره کل حرب کل قشون شعبه استخبارات ۱۳



۱- یوسف میرزا یانس در سال ۱۲۴۷ ش در همدان متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در دیپوستان آمریکایی اصفهان گذراند و در دوره دوم مجلس شورای ملی به عنوان نماینده ارامنه جنوب به وکالت برگزیده شد. بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش از رجالی بوده که به زندان افتاد. میرزا یانس در ادوار سوم، چهارم، هفتم، هشتم و نهم نیز نماینده ارامنه جنوب در مجلس شورای ملی بود؛ وی در دوره دهم نیز به نمایندگی ارامنه برگزیده شد اما روز قبل از افتتاح مجلس در خرداد ۱۳۱۴ ش درگذشت

۲- الکساندر آقایان در ۱۲۶۴ ش در قزوین به دنیا آمد. پدر او آدیس و جد وی، عابدین، از تجار ارمنی قزاق‌داغ بودند که برای تجارت در قزوین سکونت گزیدند. الکساندر دوره ابتدایی را در قزوین تحصیل متوسطه خود را در تهران گذراند.

لشکر جنوب

سند شماره ۴

دولت علیه ایران

شیر و خورشید

وزارت جنگ اداره

تهران، به تاریخ ۲۷ برج حمل ۱۳۰۲

اسم نویسنده - صادره - ضمیمه -

نمره صادره

نمره وارده

ذکر نمره قبل

کارتن - دومیه

خروج

امیر لشکر جنوب، شخصاً کشف نماید.

در تعقیب نمره ۳۰۵۶ مقتضی است که

با اقدامات لازمه اشخاص مفصلة [الاسامی]

از ولایات ذیل انتخاب شوند:

اصفهان:

حاجی میرزا حسین نائینی، افتخار السادات،

حاجی امین التجار قائم مقام

یزد:

آقای سید کاظم و طبیب زاده

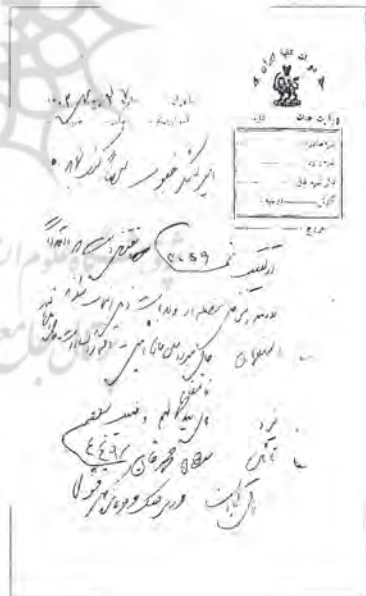
نائین: سلطان محمدخان

نمره ۴۴۹

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون

[حاشیه]: ضبط شد. امضا

[حاشیه]: باقی کجاست؟



لشکر جنوب

شماره ۸

شیر و خورشید

وزارت جنگ

سواد

مورخه

نمره

۵ ثور ۱۳۰۲ [۱]

امیر لشکر جنوب، شخصاً کشف نماید

در تعقیب نمره ۳۰۵۶ لازم است که اشخاص ذیل در انتخابات آئیه^۱ منتخب گردند: از شیراز: میرزا علی اصغر خان حکمت، حاج معین‌التجار، مصدق السلطنه، سلطان العلماء رئیس معارف شیراز. از آباده: سیف‌الله خان، مدیر اداره شرق وزارت داخله. بوشهر: پوررضا و نوبخت. بندرعباس: میرزا تقی خان ضیاء لشکر از قمشه؛ احیاء السلطنه. از اصفهان: عجالتاً میهن انتخاب شود.

نمره ۵۷۰

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون

[جائشیه]؛ بخایره شد امضا

[جائشیه]؛ ۵ ثور ۱۳۰۲ [۱]



Handwritten Persian text, likely a list of names and titles, including 'امیر لشکر جنوب' and 'میرزا علی اصغر خان حکمت'. The text is written in a cursive style and includes some numbers and dates.

انسانی و مطالعات فرهنگی

مجمع علوم انسانی

۱- چون انتخابات در آن دوره در تمام شهرها در یک زمان نبوده است منظور، انتخابات آینده‌ای است که در این شهرها در زمان‌های مختلف برگزار می‌شود و افراد مذکور باید انتخاب گردند.

Handwritten signature or stamp, possibly 'میرزا تقی خان'.

لشکر جنوب

سند شماره ۱۷

شیر و خورشید

سواد راپورت فتوی کاشان

وزارت جنگ

نمره ۳۱۷

(لشکر جنوب)

مورخه ۲۱ جوزا ۱۳۰۲

مقام محترم امیر لشکر جنوب دامت شوکتہ

تعقیب تلگراف رمز نمره - عده [ای] از آقایان و تجار و کسبه به هیئت اجتماع به تلگرافخانه متحصن، از هفت روز قبل تا کنون چندین مرتبه عرایض خودشان را راجع به هیئت نظار به مقام حکومت رسانیده و همه روزه حکومت، آنها را دلگرم نموده که فوراً درست خواهم کرد. پنج شش روز آنها را به این طریق سرگردان [نموده اند]؛ بالاخره دیشب به آنها جواب گفته اند که چون هیئت نظار به طهران معرفی شده من دیگر نمی توانم تغییر و تبدیل دهم. در حضور من هم که برای دیدن حکومت رفته بودم، اتفاقاً آقایان در جلسه اش حضور داشتند. مذاکرات زیاد به عمل

آمده؛ اهالی به حکومت می گفتند که از سه کار با ما یک کار بکنید (۱) - یا آنکه انجمن نظار را از یک عده چهل یا پنجاه نفر که خود آنها بین خودشان چهارده نفر معین نمایند و از آن چهارده نفر به نام قرعه هشت نفر معین شود. (۲) در صورتی که دودستگی شهر را می دانید همان قدری که از آن طرف انتخاب می شود همان قدر هم ما معین نمایم. یعنی هر دو دسته قوایشان مطابقت کند.

(۳) - حال که شما راپورت داده اید و نمی توانید تکذیب کنید یک روز یا دو روز مهلت بدهید تا ما با مرکز داخل مذاکره بشویم. حکومت در جواب می گوید که ممکن است من تا ظهر فردا تأمل کنم تا



انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد

تکلیف معین شود. آقایان تقاضا می‌کنند که با تلفون کنید به رئیس هیئت نظار یا آنکه دو کلمه مرقوم دارید. حکومت قبول ننموده و بالاخره آقایان را رانده و جواب سخت دادند. همان شبانه اعلانات را در بازار و محلات الصاق [نموده‌اند]؛ از قرار معلوم با حکومت پول گرفته است یا آنکه مفتش که آمده و دستورات کافی یا حکمی از برای حکومت دارد که بایستی مساعدت تام با میرزا سیدحسین و آقااحمد مدیر بشود. از قراین این طور به نظر می‌آید یک عریضه هم آقایان در دو سه روز قبل به عنوان اداره قشون نوشته بودند. چند مرتبه هم به منزل من آمده و گوشزد نموده‌اند که ما هر چه عریض خودمان را به حکومت می‌نماییم جواب قاطعی به ما نمی‌دهند و ما را سرگردان می‌نماید. حال حکومت اقدامات سخت بر علیه این آقایان می‌کند. در موقع آمدن آقایان به تلگرافخانه پشت سر آنها بعد از نیم‌ساعت، یک دسته رعیت و اهل شهر جمع شدند اعلانات را از دیوارها پاره کرده و می‌گفتند ما انجمن را نمی‌خواهیم. شهر در کمال امنیت [است]، حکومت تقاضای مساعدت از اداره قشونی نموده، من هم دستورات لازمه به قلعه بیگی دادم. انتظامات بسرقرار [است]. چنانچه از بی‌نظمی راپورت داده شود، به کلی کذب است.

یاور فتحعلی وزیر

سواد مطابق اصل است

رئیس شعبه فرموالات لشکر جنوب

امضا: نایب اول ۴۰۱۴



شکر جنوب

شماره ۱۹

شیر و خورشید

وزارت داخله

سواد تلگراف عطای کاشان

مورخه ۶۳ جوزا

شماره ۱۱۲

حضرت حجة الاسلام آقای حاجی میرزا ابوالقاسم مجتهد کاشانی^۱ چند نفر [از] مغرضین که اغراض آنها اظهار من الشمس است، برای تعویق انتخابات به تلگرافخانه آمده [اند]، رئیس قشون علناً با نهایت مفسده جریان آنها [را] تقویت و مساعدت [و] صریحاً حکومت را تهدید [می‌کند] و مطالبه اعلان ابطال انجمن نظار و عملیات آن را می‌نماید. حکومت که در فشار و تضییق [می‌باشد]، دیگر برای کی آزادی خواهد ماند. بدیهی است

حضرت اشرف وزیر جنگ مجرب از این اقدامات به کلی بی‌خبر و پس از استحضار، جداً امر به جلوگیری و تأمین آزادی عموم خواهد فرمود. سریعاً منتظر رفع تزلزل و نگرانی هستیم، علی‌الحسنی، غلامرضا، ابوالقاسم نراقی، حسن نراقی، احمد حسینی، محمد حسینی، جعفر سراقی، علیرضا، حسین حسینی، محمد حسن، اقل حسین محمد اقل حسن محمد رضا اقل علی نقی الحاج علی اقل التجار، صادق عباسقلی نصرالله

سواد مطابق اصل است از طرف ریز احمد

۱- آیه‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، فرزند سید مصطفی در سال ۱۲۶۴ شمسی در تهران متولد گردید. پدر ایشان شهید آیه‌الله سید مصطفی کاشانی از علمای بزرگ و مبارز و اساتید حوزه علمیه نجف بود که در



سند شماره ۲۴
شهر و خورشید
وزارت جنگ
لشکر جنوب
اداره کل حرب
قسمت مرموزات
نمبره ۵۶۲

لشکر جنوب
مورخه بیست و ششم برج جوزا تنگروز نیل ۱۳۰۲
ضمیمه
مخبره است

مقام منبع پندگان حضرت اشرف اعظم وزیر جنگ و فرمانده کل قشون دامت عظمته
مفتخرأ در تعقیب تلگراف رمز نمبره ۵۳۳ مورخه ۲۲ برج جاری سواد راپورت نمبره ۳۱۷
رئیس گردان کاشان را که مبنی بر عدم رضایت و شکایت اهالی کاشان از انجمن نظار و اقدامات و
عملیات حکومت آنجا و تحصن علما و کسبه و سایر طبقات مختلفه در تلگرافخانه می باشد،
جهت استحضار خاطر عالی پندگان
حضرت اشرف دامت شوکتہ لفاً تقدیم
داشت.

امیر لشکر جنوب - محمود آیرم

[جائزیه]؛ نمبره ۱۵۹۹ استخبارات ۴ سرطان ۱۳۰۲

وزارت جنگ
لشکر جنوب
اداره کل حرب
قسمت مرموزات

مورخه بیست و ششم برج جوزا تنگروز نیل ۱۳۰۲

نمبره ۵۶۲

مقام منبع پندگان حضرت اشرف اعظم وزیر جنگ و فرمانده کل قشون دامت عظمته

مفتخرأ در تعقیب تلگراف رمز نمبره ۵۳۳ مورخه ۲۲ برج جاری سواد راپورت نمبره ۳۱۷

رئیس گردان کاشان را که مبنی بر عدم رضایت و شکایت اهالی کاشان از انجمن نظار و اقدامات و

عملیات حکومت آنجا و تحصن علما و کسبه و سایر طبقات مختلفه در تلگرافخانه می باشد،

جهت استحضار خاطر عالی پندگان

حضرت اشرف دامت شوکتہ لفاً تقدیم

داشت.

امیر لشکر جنوب - محمود آیرم

[جائزیه]؛ نمبره ۱۵۹۹ استخبارات ۴ سرطان ۱۳۰۲

۱۳۳

سند شماره ۳۳ ————— انتخابات مجلس پنجم به روایت استاد

شیرخوشید

وزارت جنگ

یادداشت — تاریخ ۶ برج عترب نیل ۱۳۰

حکومت جلیله اصفهان

از قرار معلوم طرز جریان انتخابات اصفهان دارد برخلاف انتظار پیش می‌رود و بالمرة در تحت استیلا و نفوذ علما واقع شده است. اگر تذکر بی‌طرفی را مرعی داشته‌اید، این بی‌طرفی باید تا جایی ممتد گردد که احساس خلاف انتظار و نفوذ عوامل غیر مربوطه نشود. لازم است در این موضوع وظیفه اولیه خود را در تحت نظر داشته و فوری بر مراقبت و جدیت خود بیفزایید.

وزیر جنگ و فرمانده کل قوا

[حاشیه:] ارکان حرب محترم کل قنون - حسب الامر فوری این تلگراف را رمز کرده و به اعضای مبارک برسانید.

امضا: قاجار الله بهرامی / دبیر اعظم



۱- قراج الله بهرامی (دبیر اعظم) در سال ۱۳۰۰ هجری قمری متولد شد. پس از پایان تحصیلات، وارد خدمات دولتی گردید. بهرامی در هنگام کودتای ۱۲۹۹ رئیس کابینه وزارت جنگ بود که بعد از کودتا نیز همین سمت را حفظ کرد. پس از به سلطنت رسیدن رضاخان رئیس دفتر مخصوص رضاشاه شد. به طور کلی بهرامی مشاغل زیر را در طول خدمت خود عهده‌دار بود: منشی اول وزارت جنگ؛ رئیس دفتر پیاده نظام در وزارت جنگ؛ منشی اول وزارت فواید عامه و بازرگانی؛ رئیس دفتر وزارت جنگ؛ رئیس دفتر مخصوص رضاشاه؛ سرپرست محصلین در اروپا؛ فرماندار اصفهان؛ استاندار استان هفتم؛ وزیر پست و تلگراف؛ استاندار استان نهم و وزیر کشور و سرانجام نیز به نوشتن مقاله در روزنامه‌ها اکتفا کرد. (حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۵ و ۶ مخبرالسلطنه هدایت، مهدیقلی، خاطرات و خطرات هفته‌نامه باختر، شماره ۱۳۵)

سند شماره ۴۳ _____ لشکر جنوب
 کشف تلگراف - رژی ارکان حرب لشکر جنوب بشروخورنید
 تاریخ اصل تلگراف ۳ - وزارت جنگ
 تاریخ کشف ۳ برج فوس ۱۳۰۲
 شماره اندیکاتور - انتخابات ۲۷۴۰

مقام منبع بندگان حضرت اشرف وزیر جنگ و فرمانده کل قوا دامت عظمته
 با نهایت افتخار راپرتا به عرض مبارک می‌رساند: طبق راپرت رئیس قسمت یزد، سندید
 الملك حاکم یزد برای انتخاب معاضد السلطنه از نائین نهایت جدیت را معمول [داشته]؛ نظر به
 این‌که ملاحظه نموده اهالی به انتخاب سلطان محمدخان مایل [هستند] و مشارالیه اکثریت را
 حائز خواهد گردید، امر انتخابات آنجا را به عهده تعویق انداخته، کدخدایان و ریش سفیدان
 آبادیهای مختلفه نائین را به یزد احضار [نموده] و راجع به انتخاب معاضد السلطنه دستور داده
 است. حکومت نائین هم بنا بر دستور مشارالیه با بستگان و طرفداران سلطان محمدخان
 مخالفت و ضدیت می‌نماید. علیهذا از آن مقام منبع مستدعی است هر قسم مقتضی دانند امر و
 مقرر فرمایند تا معمول و به رئیس قسمت
 معروضه دستور داده شود. نمره ۱۴۲۸
 رئیس ارکان حرب لشکر جنوب - سوهنگ
 (محمد حسین)

[مهر]: اداره ارکان حرب کل قواون - شعبة انتخابات - ۱۳
 [حاشیه]: حکومت یزد، انتخابات را ایزاد بگذارد.



لشکر جنوب

سند شماره ۷۲

دولت علیه ایران

شیرخویشید

وزارت جنگ جلیله

تهران به تاریخ ۵ برج حوت ۱۳۰۶

اسم نویسنده - صادره - ضمیمه -

نمره صادره ۵۱۱۸
نمره وارده
ذکر نمره قبل
کارتن - دوسه

خروج

امیر محترم لشکر جنوب

در تعقیب نمره ۴۹۲۳ و نمره ۴۹۴۵
قدغن فرمایید در صورتی که ممکن باشد به
طور سری و محرمانه در انتخاب سلطان
محمدخان عامری^۱ مساعدت نمایند.

نمره ۵۱۱۸

متصدی ارکان حرب کل قشون

[حاشیه] : مخایره، امضا

۱- سلطان محمدخان عامری فرزند میرزا نصرالله خان
اسدالسلطنه در سال ۱۲۷۱ متولد شد. وی از کالج
آمریکایی تهران موفق به اخذ دیپلم نائل گردید و
سپس در سال ۱۲۹۲ خویشیدی به عنوان آموزگار وارد
خدمات دولتی شد. در ضمن مقالاتی برای روزنامه رعد
که مدیریت آن با سیدضیاءالدین بود، ترجمه می‌کرد و
این امر سبب شد که بین او و سیدضیاءالدین دوستی
پایداری به وجود آید و با نفوذ سیاسی سیدضیاءالدین
معاون اداره مالیات‌های مستقیم شد.



شماره ۱۰۳ سند شماره ۱۰۳ ————— انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد


دولت علیه ایران
شیرخورشید
وزارت جنگ اداره

تهران به تاریخ ۱۲ برج جوزا ۱۳۰۲
اسم نویسنده - صادره - ضمیمه -

نمره صادره ۱۱۵۹
نمره وارده
ذکر نمره قبل
کارتی - دوسیه

خروج

امیر لشکر جنوب، شخصاً کشف فرمایند سابقاً در طی دستوراتی که صادر شده سیف‌الله خان برای نمایندگی آباده معین شده است، اینک لزوماً متذکر می‌شوم که سیف‌الله خان اشتهاها نامزد گردیده و بایستی سردار فاخر^۱ از آباده انتخاب شود. ضمناً لازم است به امان‌الله خان دستور دهید که با نصره الممالک حاکم آباده موافقت نماید.



وزارت جنگ ایران
تاریخ: ۱۲ جوزا ۱۳۰۲
اسم نویسنده: ...
اسم صادره: ...

امیر لشکر جنوب
سیف‌الله خان
نصره الممالک حاکم آباده

نمره ۱۱۵۹
وزیر جنگ و فرمانده کل قشون

۱- رضا حکمت، معروف به سردار قاسم، فرزند حاج حسام‌الدین شیرازی، متولد ۱۲۶۹ است. تحصیلات مقدماتی و متوسطه و آموختن زبان فرانسسه را در شیراز انجام داد و در اوائل جنبش مشروطیت مدتی را در اروپا گذراند، اما تحصیل خود را به اتمام نرساند و

۱۲۶ / □

سند شماره ۱۰۶ ————— انتخابات مجلس پنجم به روایت استاد
 دولت علیه ایران
 شیرخوشید
 وزارت جنگ اداره
 طهران، به تاریخ ۱۶ برج جوزا ۱۳۰۲
 اسم نویسنده - صادره - صمیمه -

نمبره صادره	۱۲۳۴
نمبره وارده	
ذکر نمبره قبل	
کارتنی - دوسیه	

خروج —

امیر لشکر جنوب، شخصاً کشف نمایید. لزوماً تذکر می‌دهم که برای انتخاب نوبخت از پوشهر لازم نیست مساعدتی به عمل آید. میرزا علی اصغر خان حکمت را هم از کاندیدان^۱های شیراز خارج نموده، وسائل انتخاب او را در جهرم فراهم دارید. در خصوص ضیاءالواعظین یابستی به هر قسم شده از انتخاب مشارالیه جلوگیری شود، برای نمایندگی کرمان، عطاءالملک روجی، آصف‌الممالک، عدل‌السلطنه و رفعت‌الدوله در نظر گرفته شده‌اند البته در انتخاب آنها اهتمام لازم به عمل آورید.

نمبره ۱۲۳۴
 وزیر جنگ و فرمانده کل قشون

دولت علیه ایران
 وزارت جنگ اداره
 شماره تاریخ - برج - کله - ۱۳۰۲
 اسم نویسنده - صادره - صمیمه -

نمبره صادره
 نمبره وارده
 ذکر نمبره قبل
 کارتنی - دوسیه

۱۲۳۴

سند شماره ۱۲۹ _____ انتخابات مجلس پنجم به روایت استاد
 کشف تلگراف: رئیس تپ فارس شروخ‌شید
 تاریخ اصل تلگراف: ۱۶ وزارت جنگ
 شماره الکترا: استخبارات ۳۹۱۱
 تاریخ کشف: ۱۸ برج میزان ۱۳۰۶

مقام منبع وزارت جلیله جنگ و فرمانده کل قشون دامت عظمته

جواب دستخط مبارک نمرة ۲۹۸۶ در تاریخ ۱۸ جوزا تحت نمرة ۵۰۱، امارت لشکر دستور دادند که با انتخاب ضیاء‌الواعظین مخالفت شود. در صندوق... ضیاء‌الواعظین حائز اکثریت بوده با پنج نفر وکلایی که کاندید [ای] قوام و صارم‌الدوله بودند. الحال اشخاصی که دارای اکثریت هستند سلطان العلماء که حسب الامر جزء کاندید [ا]ها بود و امین الشریعه که جلب اعتماد حضرت اشرف را نموده؛ ضیاء‌الادبیا که تحت نمرة ۳۳۳ عرض شده خودش را از طرفداران قشونی می‌داند و سید محی‌الدین و صدراالاسلام که نیز از طرفداران قشون است.

نمرة ۸۲۶

سرتیپ (فضل‌الله)

[شماره] اداره ارکان حزب کل قشون - شعبه استخبارات ۱۳

[حاشیه] ضبط

سند شماره ۱۲۹
 تاریخ اصل تلگراف: ۱۶
 وزارت جنگ

شماره الکترا: استخبارات ۳۹۱۱
 تاریخ کشف: ۱۸ برج میزان ۱۳۰۶

مقام منبع وزارت جلیله جنگ و فرمانده کل قشون دامت عظمته

جواب دستخط مبارک نمرة ۲۹۸۶ در تاریخ ۱۸ جوزا تحت نمرة ۵۰۱، امارت لشکر دستور دادند که با انتخاب ضیاء‌الواعظین مخالفت شود. در صندوق... ضیاء‌الواعظین حائز اکثریت بوده با پنج نفر وکلایی که کاندید [ای] قوام و صارم‌الدوله بودند. الحال اشخاصی که دارای اکثریت هستند سلطان العلماء که حسب الامر جزء کاندید [ا]ها بود و امین الشریعه که جلب اعتماد حضرت اشرف را نموده؛ ضیاء‌الادبیا که تحت نمرة ۳۳۳ عرض شده خودش را از طرفداران قشونی می‌داند و سید محی‌الدین و صدراالاسلام که نیز از طرفداران قشون است.

نمرة ۸۲۶
 سرتیپ (فضل‌الله)

[شماره] اداره ارکان حزب کل قشون - شعبه استخبارات ۱۳

[حاشیه] ضبط

سند شماره ۱۷۳	انتخابات مجلس پنجم به روایت استاد
کشف تلگراف ایالت کرمان	شیر و حورشید
تاریخ اصل تلگراف ۲۷	وزارت جنگ
	نمره اندیکاتور: استخبارات ۱۴۷۶
	تاریخ کشف ۲۸ برج جوزا ۱۳۰۲

مقام منبع حضرت اشرف آقای وزیر جنگ دامت شوکتہ

در جواب تلگراف رمز نمره ۱۴۱۱ ارکان حرب، به عرض می‌رسانم که در کرمان هفتاد و هشت نفر کاندید [[] فعلاً موجود است و به طور تحقیق قبلاً پیش‌بینی نمی‌توان کرد که چه اشخاصی وکیل خواهند شد؛ ولی به طور کلی انتخابات را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود. یک دسته عبارت است از دموکرات‌ها و ساب آزادی‌خواهان و طایفه خوانین ابراهیمی که اصف‌الممالک از آن طایفه است و [عده‌ای] از علمای این دسته، طرفدار انتخاب حاج میرزا محمدرضای مجتمع (مجتهد) و چند نفر دیگر هستند. عده [ای] هم که برای میرزا شهاب و حاج میرزا مرتضی کار می‌کنند، دسته دیگر که مخالف این دسته است و معمولاً انتخابات را به

قوة داشتن حکومت‌های جزء می‌خواهند ببرد، سردار نصرت و کسان او می‌باشند که کاندید [[]‌های آنها خود سردار نصرت، رفعت‌الدوله و ... السلطنه و عدل‌السلطنه، پسران سردار نصرت، مؤیدالاسلام و ثقه‌الاسلام و عطاءالملک می‌باشند که بواسطه نداشتن زمینه می‌خواهند به (سماجیت) کساری موفقیت حاصل کنند.

نمره ۱۴۸۶

(عبدالحمید)

[مهر]: اداره ارکان حرب کل قنون. تنوع استخبارات ۱۳

[حاشیه]: اشخاص صحیح‌العمل امر خدمتی هم نکنند.

ضوری نمی‌رسانند.



شماره ۱۸۰ _____ لشکر جنوب
 کشف ننگراف - امیرلشکر جنوب شیر و خورشید نمره ادبیکاتور : انتخابات ۲۳۴۸
 تاریخ اصل ننگراف : ۶ عترب وزارت جنگ تاریخ کشف : ۳ عترب ۱۳۰۲

ارکان حرب محترم کل قشون

موقع عبور اینجانب از رفسنجان که بیست و یک فرسخی کرمان است، جمعیتی از اهالی آنجا به موجب دو فقره عرض حالی که دارای دویست و هفتاد و دو مَهر است تظلم نمودند که دسایسی در انتخابات آنجا شده و میرزا شهاب نماینده سابق سیرجان را که از قرقه سوسپالیست و ابداً طرف اعتماد و رضایت اهالی نیست، به دسیسه برای وکالت کاندید [] و برای انجام مقصود، آزادی رأی را از عامه سلب و مداخلاتی نموده‌اند. علیهذا استدعا دارند به طوری که در بعضی از توابع کرمان انتخابات، توقیف و موکول به تفتیش گردیده است، انتخابات رفسنجان را نیز توقیف و مفتش که برای انتخابات سیر نقاط تعیین می‌گردد، انتخابات رفسنجان را نیز تفتیش نماید.

نمره ۱۴۵
 امیرلشکر جنوب - محمود آیرم
 [مهر] اداره ارکان حرب کل قشون - شعبه انتخابات ۱۳



شماره ۱۸۴

دولت علیه ایران

شیر و خورشید

وزارت جنگ اداره

تهران به تاریخ برج ۱۳۰۲

اسم نویسنده - صادره - ضمیمه -

نمره صادره

نمره وارده

ذکر نمره قبل

کارتن - دوسیه

خروج

ایالت جلیله کرمان

رمز نمره ۴۶۴۶ و اصل گردید. احکام

اینجانب بیشتر اهمیت دارد یا احکام وزارت

داخله؟ بدیهی است همان طور که سابقاً

دستور داده شده اقدام خواهید فرمود.

وزیر جنگ و فرمانده کل قوا

دولت علیه ایران
وزارت جنگ اداره

نمره صادره: _____
نمره وارده: _____
ذکر نمره قبل: _____
کارتن: _____

تاریخ: _____
شماره: _____

ایالت جلیله کرمان
رمز نمره ۴۶۴۶ و اصل گردید. احکام اینجانب بیشتر اهمیت دارد یا احکام وزارت داخله؟ بدیهی است همان طور که سابقاً دستور داده شده اقدام خواهید فرمود. وزیر جنگ و فرمانده کل قوا

۶

لشکر مرکز

سند شماره ۳۵۳

دولت علیه ایران

شیرخورشید

وزارت جنگ اداره

تهران

به تاریخ ۲۷ برج حمل ۱۳۰۲

اسم نویسنده... صادره... ضمیمه

نمره صادره
نمره وارده
ذکر نمره قبل
کارتن - دوسیه

خروج

قرودین

تلگراف

حکومت نظامی قرودین، شخصاً کشف نماید
 در تعقیب نمره ۳۰۵۶، لازم است از
 حوزه مأموریت شما اشخاص ذیل جهت
 نمایندگی پارلمان انتخاب شوند:
 احیاء السلطنه و میرزا ابراهیم خان
 ملک آرائی.

نمره ۴۵۰

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون

وزارت جنگ
 تاریخ ۲۷-۱۰-۱۳۰۲
 شماره ۳۵۳
 امضاء: ...
 مهر: ...

انتخابات مجلس پنجم به روایت استاد

شماره ۳۷۲

دولت علیه ایران

شیر و جوشید

وزارت جنگ اداره

تهران به تاریخ ... برج ... ۱۳

اسم نویسنده - صادره - ضمیمه -

نمره صادره

نمره وارده

ذکر نمره قبل

کارتن - دوسیه

خروج

تذکرات استرآباد

رئیس تیب شمال، شخصاً کشف نماید در تعقیب نمره ۳۰۵۶ مقتضی است با اقدامات مجدانه از ایالت گیلان اشخاص ذیل که صلاحیت نمایندگی پارلمان را دارند، انتخاب شوند: سپهبدار اعظم، سردار معتمد، سرکشیک زاده، ادیب السلطنه، امین الملک، از ولایت استرآباد آقا شیخ آقا استرآبادی

نمره: ۴۴۸

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون

[حاشیه] ۲۷ حمل

۱- حسین سمعی ادیب السلطنه فرزند میرزا حسن خان ادیب السلطنه در سال ۱۲۵۳ ش در رشت متولد



انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد

سند شماره ۳۸۵

دولت علیه ایران

تهران به تاریخ ۵ برج جوزا ۱۳۰۲

شیر و خود شد

اسم نویسنده - صادره - ضمیمه -

وزارت جنگ اداره

تبره صادره ۱۰۳۸

تبره وارده

ذکر تبره قبل

کارتی - دومیه

خروج

رئیس تیپ شمال، شخصاً کشف نمایند
لزوماً متذکر می‌شوم که برای نمایندگی
طالبش قائم مقام الملک در نظر گرفته شده
است. اقدامات لازم [را] در انجام مقصود به
عمل آورده و به سلیمان پاشاخان نیز
دستور دهید که مراقبت و جدیت کامل در
انتخاب مشارالیه بنمایند.

نمره ۱۰۳۸

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون

امران عالی خورشید ۱۳۰۲
لر نویسنده - صادره - ضمیمه -

وزارت جنگ علیه ایران
وزارت جنگ اداره

تبره صادره - ۱۰۳۸
تبره وارده
ذکر تبره قبل
کارتی - دومیه
خروج

رئیس تیپ شمالی
شخصاً کشف نمایند
لزوماً متذکر می‌شوم
که برای نمایندگی
طالبش قائم مقام
الملک در نظر گرفته
شده است. اقدامات
لازم را در انجام
مقصود به عمل
آورده و به سلیمان
پاشاخان نیز دستور
دهید که مراقبت و
جدیت کامل در
انتخاب مشارالیه
بنمایند.

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون

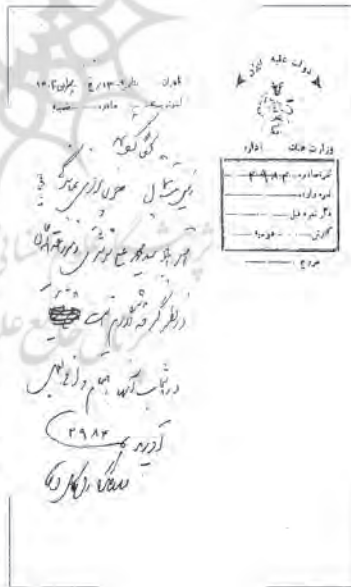
سند شماره ۴۱۹ ————— انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد
 شبرخورشید
 دولت علیه ایران طهران به تاریخ ۱۳ برج میزان ۱۳۰۲
 وزارت جنگ اداره
 اسم نویسنده - صادره - ضمیمه -

نمره صادره ۲۹۸۴
 نمره وارده
 ذکر نمره قبل
 کالری - دوسیه

خروج —

رئیس تیب شمال، شخصاً کشف نمایند

چون برای نمایندگی استرآباد سید محمدعلی شوشتری^۱ و میرزا عبدالله خان در نظر گرفته شده، لازم است در انتخاب آنها اهتمام وافی به عمل آورید. نمره ۲۹۸۴ وزیر جنگ و فرمانده کل قشون



۱- سید محمدعلی شوشتری، فرزند آیت‌الله سید حسن مجتهد شوشتری جزایری، در دوره پنجم مجلس شورای ملی از شهرستان گرگان موطن صادری خود به سمت نمایندگی انتخاب گردید. پس از پایان دوره مجلس به سمت مأمور مخصوص و رئیس تفتیش آستان قدس رضوی منصوب شد و از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ در سمت مزبور مشغول بود. در سال ۱۳۱۷ به وزارت کشور منتقل شد و تا دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، در سمت مشاور حقوقی و مستشار قضایی مشغول فعالیت بود. وی مجدداً در دوره شانزدهم و هیجدهم مجلس از سوی اهالی گرگان به سمت نمایندگی انتخاب شد. پس از خاتمه دوره مجلس در وزارت کشور مشغول شد. وی در خردادماه ۱۳۴۱ ش درگذشت و در مشهد دفن گردید. (ارژونسامه اطلاعات، ۱۳۴۱/۳/۲۶)

شماره ۴۲۹ سند شماره

تیردخوشه

وزارت پست و تلگراف

مورخه: ۲۶ فروردین ۱۳۰۲

نمبره

ضمیمه

جناب آقای عبدالرزاق خان متصدی ارکان حرب کل قشون دام اقباله

حسب الامر، انتخاب اشخاص معینه ذیل را به نقاطی که اشعار می دارد، تاکید نمایم:

رشت: سپهدار اعظم، سردار معتمد

قومین: آقای ناصرالاسلام

تبریز: نظام الدوله

تبریز: سیدالمحققین

به علاوه به آذربایجان موالی اسماعیل خان اطلاع دهید که معتمدالتجار^۱ را انتخاب نکنند.

امیر لشکر - خدایار خان

۱- میرزا محسن معتمدالتجار تبریزی، از بازرگانان تبریز بود، که در تاریخ معاصر آذربایجان، نقش ایفا کرده است. نه تنها در دوران نهضت مشروطیت در صحنه های انقلاب، حضور و شرکت فعال داشت، بلکه از جمله معدود نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای ملی بود که در برابر قسدلری های رضاخان میرنخ استناد. میرزا محسن معتمدالتجار فرزند حاج میرزا شفیق امین التجار و پسرعموی زنده یار سید حسن شریفزاده، می باشد، وی در برهه های حساس، عضو انجمن ایالتی آذربایجان بود. پس از سرنگونی بیرق های سفید توسط ستارخان سردار ملی، لازم بود انجمن ایالتی آذربایجان که نمایندگان در تهاجم رحیم خان چلبیانلو پواکنده شده بودند، مجدداً تشکیل شود. این نهاد مدتی در آن شرایط حساس با شرکت ۱۲ نفر تشکیل گردید که یکی از آنان، صاحب ترجمه بود.

وی از سوی انجمن ایالتی آذربایجان به عضویت عدلیه انتخاب می گردد و در این سمت نیز فعالانه تلاش می کند.



سند شماره ۴۴۲ _____ انتخابات مجلس پنجم به روایت استاد

دولت علیه ایران
شیرخویشید
وزارت جنگ اداره

تهران به تاریخ ۲۶ برج قوس ۱۳۰۶
اسم نویسنده - صادره - ضمیمه -

نمره صادره	۴۱۵۴
نمره وارده	
ذکر نمره قبل	
کارتن - دوسیه	

خروج _____

ریاست محترم تیپ شمال
تعقیب نمره ۴۱۵۳ حسب الامر، اهتمام
فرموده که کی استوان در انتخابات انزلی
اکثریت درجه اول را حائز گردد.

نمره ۴۱۵۴
متصدی ارکان حرب کل قشون
[حاشیه: بخاربه] [امضا]

دولت علیه ایران
وزارت جنگ اداره
نمره خروج: ۲۰۰۰
اسم نویسنده: ...
ریاست محترم تیپ شمال
۱۳۰۶
۲۶
قوس

۵۲۰ / □

مقام منبع وزارت جلیله داخله

عطفاً به رمز نمره ۱۱۱۳ طبق تلگراف حکومت ساوجبلاغ به حسب تقاضای انجمن مرکزی و معاریف، دسیسه صندوق بوکان محقق، درخواست صدور اجازه تجدید آرای بوکان شده است. ارسال دوسیه به وزارت جلیله داخله نوعی است که نمی توان فرستاد و در مجلس هم رد خواهد شد. به اندازه [ای] عملیات مفتش تیره بوده است که نمی شود دوسیه را ارسال نمود. مقتضی است اجازه تجدید آرای بوکان بشود و شخص دومی هم از اشخاصی است که با سمیتقو همراه بوده عملیاتش درخشان نیست.

۱۲ حمل - نمره ۶

اسماعیل

[حاشیه] در رمز شده.



وزارت تلگراف ایالت آذربایجان

انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی

شیر و خورشید

ورقه تلگراف ایالت آذربایجان

جریان انتخابات ساوجبلاغ از روی دوسیه

دوسیه کار حاکمی است که رحیم زاده صفوی مفتش انتخابات پس از ورود، زمینه را برای خود تدارک کرده، پس از اقدامات به حکومت اصرار داشته که در صندوق بوکان برله صفوی عملیاتی بکار برده شود. حکومت قویاً از این اقدام استنکاف کرده، به ایالت راپورت می‌دهد و جواب سخت می‌شنود. صفوی پس از یأس خود صندوق آراء را برداشته به بوکان می‌رود. از قرار تحقیقات اخیر مشارالیه توسط ریش سفیدان به اهالی آن صفحات القا می‌کند که اوراق آرا را توی توپره بریزند بیاورند. رعیت نیز موافق دستور اقدام می‌کند. بعد صفوی شبانه آرای توپره‌ها [را] محو و بر وفق میل خود ورقه رای نوشته، داخل صندوق می‌کند. قصبه [را] تا یک درجه کشف از بوکان به انجمن نظارت مرکزی ساوجبلاغ راپرت می‌دهند. جوابهای انجمن که توسط قاصد بوده، صفوی در راه، قاصد را اغفال

[کرده]، نوشتجات را از او می‌گیرد و صندوق را به همان حال [به] قصبه می‌آورد. از انجمن مراتب به حکومت اخطار شده؛ حکومت صندوق را در حال توقیف نگاه داشته، مشغول تحقیقات می‌شوند. این اقدام صفوی [را] که تحقیقاً معلوم می‌شود به ایالت راپرت می‌دهند. از ایالت به طهران عرض و تجدید انتخاب درخواست شده، مدتی جواب نمی‌رسد تا از طرف انجمن نظارت مقام حضرت اشرف رئیس الوزراء و وزارت داخله تلگرافاً عرض و از وزارت اجازه تجدید انتخاب صادر [می‌شود] و اکثریت به اسم آقای مساوات خاتمه می‌پذیرد.



لشکر شمال غرب

سند شماره ۴۹۱

به تاریخ - بروج - میل ۱۴۰

وزارت جنگ

لشکر شمال غربی

ورقه تلگرافی

مقام منبع فرمانده کل قوا دامت عظمته

در تعقیب نمره ۴۹ جسارت می نماید: چاکر حتم دارم که این قبیل دسایس از ناحیه کارکنان سالار لشکر و امثال آنهاست که برای انتخاب شدن از هیچ قسم توسلات فروگذاری ندارند. مخصوصاً مجبورالملک و سایر کسان سالار لشکر؛ در هر جای سفره گسترده علنی پول می دهند، رأی می خردند. چاکر به وظیفه مقررّه جلوگیری از این عملیات شرم آور می نماید. آنها هم با آن دسایس تشبث می کنند. و الاّنه چاکر با حکومت همدست شده و نه به کسی متعرض و نه دیناری اخذ نموده؛ به طوری که استدعا کرده ام مخصوصاً استرحام می نماید که این شکایت قوياً تعقیب و حقیقت، کشف شود.

۴ جدی - نمره ۵۰

نایب - ۳ یوسفی رزمی

نمره ۲۴۰۷

[حاشیه]: حسن خان رزمی قوری معین شود به مراغه برود.

مسائل را تحقیق نموده راپورت تلگرافی بزنند.

[حاشیه]: سواد به دارالانشاء جهت اجرا داده شد.

[حاشیه]: خطوط شود.



لشکر غرب

سند شماره ۶۰۴

دولت علیه ایران

شیرخوشیاد

وزارت جنگ اداره

طهران به تاریخ ۳۱ برج نور ۱۳۰۲

اسم نویسنده - صادره - ضمیمه -

نمره صادره ۹۷۱

نمره وارده

ذکر نمره قبل

کارتن - دویب

خروج

امیر لشکر غرب، شخصاً کشف نمایید
نظر به اینکه شهر گلپایگان و خوانسار
فقط دارای یک نفر نماینده می باشد و
غضنفرخان برای نمایندگی این دو محل
نامزد و به موجب نمره ۵۶۸ اطلاع داده
شده، لازم است در هر دو محل اقدامات
نموده، زمینه حاضر شود که مشارالیه از دو
محل اکثریت را دارا باشد.

نمره ۹۷۱

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون

دولت علیه ایران

وزارت جنگ اداره

نمره صادره ۹۷۱

نمره وارده

ذکر نمره قبل

کارتن - دویب

خروج

طهران به تاریخ ۳۱ برج نور ۱۳۰۲

اسم نویسنده - صادره - ضمیمه -

امیر لشکر غرب کشف نمایید

نظر به اینکه شهر گلپایگان و خوانسار فقط دارای یک نفر نماینده می باشد و غضنفرخان برای نمایندگی این دو محل نامزد و به موجب نمره ۵۶۸ اطلاع داده شده، لازم است در هر دو محل اقدامات نموده، زمینه حاضر شود که مشارالیه از دو محل اکثریت را دارا باشد.

نمره ۹۷۱

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون

شکر غرب

سند شماره ۶۱۷

تبر و خورشید

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

سند [۲] ۱۳۰

نمره کتاب ۱۶۶

از ملایر	نمره فضا ۷۵۸	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
به طهران	نمره تلگراف ۵۰	۲۹۰	۱۰		۱۶ اسد	

توسط حضرتین حاجتین آقای امام طهران و آقای سلطان العلما نماینده بروجرد دامت

برکاتهم

مقام منبع حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء

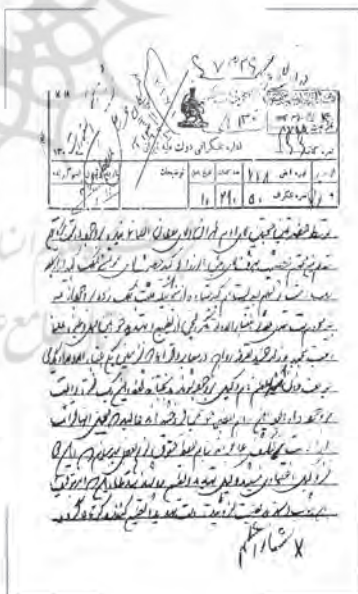
کپیبه حضرت آقای مؤتمن الملک

کپیبه وزارت جلیله جنگ دامت شوکتهم

کپیبه اقدام

کپیبه ستاد

از آنجایی که ملت فلک زده بروجرد از همه چیز محروم است، تعدی... اعتبار الدوله تلگرافچی از تطمیع و تهدید خوانین محل و غیره علناً رعیت [را] مجبور [کرده]، بازار خرید تعرفه رواج [یافته]، در معابر و اتره دو نفر معین یکی اعتبار الدوله و دیگری یوسف خان مشار اعظم نام وکیل بروجرد شوند. بدبختانه فقط این یک فقره را ملت بروجرد دارا بود، این را هم بعضی خوانین فروخته اند. حالیه که میل آنها قرائت آراء هست منکشف عاجزانه به نام حفظ حقوق نوع، به عرض می رسانیم که این دو نفر وکیل اختیاری نیستند؛ وکیل تهدید و تطمیع



۱۳۹۳ ۱۳۹۳ ۱۳۹۳

سفرنامه محمد ثابت مصری به ایران



سفرنامه محمد ثابت مصری به ایران

مجله مطالعات تاریخی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی